

نبرد خلق

سرنگونی رژیم و ضرورت تشکیل دولت موقت انقلابی

۴- طرح رابطه دولت موقت با دین و مذهب

در شماره‌های گذشته نبرد خلق مطالبی در باره سرنگونی رژیم ولایت فقیه و ضرورت تشکیل دولت موقت نوشته شد. در آن مطالب توضیح دادم که برای تحقق یک انتخابات آزاد و واقعاً مردمی برای تشکیل مجلس مؤسسان، ضروری است که دولت موقت در فاصله سرنگونی رژیم و تشکیل مجلس مؤسسان هم حافظ و مدافع شرایط دموکراتیک در جامعه و هم مشوق آن باشد و سرانجام توضیح دادم که شورای ملی مقاومت ایران و دولت موقت منتخب آن در این جهت حرکت می‌کند و در برنامه خود، ضمن اعتقاد عمیق به سرنگونی رژیم آخوندی، برای انجام یک انتخابات واقعاً آزاد و دموکراتیک به منظور تشکیل مجلس مؤسسان و انتقال قدرت به مردم، شرایط دموکراتیک در جامعه را با برنامه و طرح‌هایش تضمین کرده است. در شماره گذشته طرح زنان مورد بررسی قرار گرفت. در این شماره به بررسی طرح شورای ملی مقاومت ایران در باره «رابطه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران با دین و مذهب» می‌پردازم. این طرح در یک مقدمه و چهارماده در ۲۱ آبان ۱۳۶۴ به تصویب شورای ملی مقاومت ایران رسید. در مقدمه طرح به اعتقاد شورامبسی بر مساوی بودن همه‌ی آحاد مردم ایران که به اشکال مختلف در برنامه و وظایف مردم شورا ذکر شده، تاکید می‌شود. چهار ماده طرح به شرح زیر است: ۲ در صفحه ۲

خودسوزی در اعتراض به جنایات رژیم

روز دوم اسفند امسال، خانم دکتر هما دارابی استاد پیشین دانشگاه در اعتراض به سیاست‌های سرکوب‌گرانه دارودسته جنایتکار خامنه‌ای - رفرستجانی خودسوزی کرد و یک روز بعد از آن جان باخت. خانم هما دارابی از فعالین جبهه ملی طی سال‌های دهه چهل بود. وی با این اقدام اعتراضی خود یک بار دیگر تفرعمومی از رژیم خمینی را به همگان نشان داد. آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران در این رابطه اعلام نمود که: «مسئولیت از دست رفتن جان خانم دارابی برعهده دیکتاتوری مذهبی - تروریستی و سرکوب تمام عیار این رژیم به ویژه در مورد زنان است.» اقدام به خودسوزی توسط خانم هما دارابی انعکاس گسترده‌ای در رسانه‌های خبری جهان داشت. ما ضمن ابراز نفرت به سیاست‌های سرکوب‌گرانه رژیم خمینی به ویژه در مورد زنان کشورمان، درگذشت خانم هما دارابی را به خانواده ایشان تسلیت می‌گوئیم.

بهاران خجسته باد

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
عید نوروز، جشن جنبش بهاری و آغاز
سال ۱۳۷۳ را به هموطنان عزیز تبریک
می‌گوید.

توافق دولت آلمان و رژیم آخوندها علیه مردم ایران

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

در رابطه با کمک‌های مالی آلمان به
دیکتاتوری مذهبی - تروریستی
ملایان

در صفحه ۷

اطلاعیه ستاد فرماندهی مجاهدین خلق ایران در داخل کشور سلسله عملیات

مجاهد شهید مجیدرضا ابراهیمی

در صفحه ۳

رویای بهار

_____ اسماعیل وفا یغمایی

پیشرفت سریع تاریخ

افشین - ج

در صفحه ۵

آخوندها و ورزش زنان _____ اصغر ادیبی

در صفحه ۴

دیدارهای رئیس جمهور آینده

روز ۵ اسفند ۷۲، لرددیویدانالز نماینده مجلس اعیان انگلستان با خانم مریم رجوی، در محل اقامت ایشان دیدار و گفتگو نمود. در این ملاقات لردانالز ضمن ابراز خوشوقتی از دیدار بارنئیس جمهور آینده ایران گفت: پرونده مقاومت شما به نحو بارز و آشکاری تبلور اعتقاد و تعهد عمیق شما به اصولی است که از ابتدا بر آن‌ها پای فشرده‌اید، اصولی مانند پابندی به دموکراسی و حقوق بشر.

کمیسیون حقوق بشر رژیم خمینی را محکوم کرد

متن کامل قطعنامه کمیسیون
حقوق بشر سازمان ملل متحد
وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی

در صفحه ۸

تئوری خودکشی طبقاتی املیکار کابرال

و

سوسیالیسم انقلابی

در صفحه ۹

در این شماره :

- * تظاهرات مردم سقر و بانه
- * احسان نراقی از ترور سلمان رشدی دفاع می‌کند
- * قتل عام فلسطینی‌ها در مسجد الخلیل
- * اخبار و رویدادها
- * شهدای فدایی در فروردین ماه
- * برخی از رویدادهای تاریخی

سرنگونی رژیم و ضرورت تشکیل دولت موقت انقلابی

از صفحه ۱

۱- اعمال هرگونه تبعیض در مورد پیروان ادیان و مذاهب مختلف در برخورداری از حقوق فردی و اجتماعی ممنوع است. هیچ یک از شهروندان به دلیل اعتقاد یا عدم اعتقاد به یک دین یا مذهب، در امر انتخاب شدن، انتخاب کردن، استخدام، تحصیل، قضاوت و دیگر حقوق فردی و اجتماعی مزیت یا محرومیتی نخواهد داشت.

۲- هرگونه آموزش اجباری مذهبی و عقیدتی و اجبار به انجام یا ترک آداب و سنت‌های مذهبی ممنوع است. حق آموزش، تبلیغ و برگزاری آزادانه آداب و سنت‌های تمامی ادیان و مذاهب و احترام و امنیت همه اماکن متعلق به آن‌ها تضمین می‌شود.

۳- صلاحیت مقام‌های قضایی ناشی از موقعیت مذهبی و عقیدتی آنان نیست و قانونی که ناشی از مرجع قانون‌گذاری کشور نباشد، رسمیت و اعتبار نخواهد داشت. با الفای مقررات قصاص و حدود و تعزیرات و دیات رژیم ضد بشری خمینی و با انحلال دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب اسلامی و محاکم شرع، که در ردیف وظایف مرم دولت موقت است، امر دادرسی، اعم از تعقیب جرایم و رسیدگی به کلیه دعاوی، در نظام واحد قضایی جمهوری، براساس موازین شناخته شده حقوقی و مطابق قانون انجام می‌شود.

۴- تقیث عقیده و دین و مذهب توسط مراجع دولتی و مؤسسات عمومی وابسته به دولت به هر عنوان ممنوع است.

به همان گونه که ملاحظه می‌شود این طرح هرگونه تبعیض در مورد پیروان ادیان و مذاهب مختلف را ممنوع اعلام می‌کند. بدین ترتیب پیروان هر مذهب می‌توانند مانند پیروان مذهب اکثریت جامعه هر شغل و سمتی را در جمهوری آینده انتخاب کنند. می‌توانند برای هر مقامی که در مورد آن انتخابات انجام می‌شود، کاندیدا شوند و با توجه به این که در ماده چهارم این طرح «تقیث عقیده و دین و مذهب توسط مراجع دولتی و مؤسسات عمومی وابسته به دولت به هر عنوان ممنوع» اعلام شده، بنابراین در ایران فرداً، اساساً افراد جامعه به عنوان شهروندان متساوی الحقوق تلقی شده و هیچ سؤال و مانعی که به نحوی بخشی از جامعه را به خاطر اعتقاد به یک مذهب و یا عدم اعتقاد به یک مذهب خاص و یا عدم اعتقاد به هر نوع مذهب، از بخش دیگر جدا کند، وجود نخواهد داشت. تردیدی نیست که این طرح به طور فاطح بیان کننده جدایی دین از دولت و استقرار یک دولت لائیک و غیر مذهبی است. طبعاً این طرح مخالف فعالیت‌های مذهبی شهروندان ایران نیست. بلکه بر اساس این طرح دولت موقت ضمن آن که هیچ گونه تبعیضی در مورد شهروندان ایران قائل نمی‌شود، بلکه «حق آموزش، تبلیغ و برگزاری آزادانه آداب و سنت‌های تمامی ادیان و مذاهب و احترام و امنیت همه اماکن متعلق به آن‌ها» را تضمین می‌کند. بنابراین شورای ملی مقاومت ایران در دولت موقت پس از سرنگونی رژیم، علاوه بر این که هرگونه تبعیض در مورد ادیان و مذاهب مختلف را الفاء می‌کند و پیروان همه

عقاید و ادیان و مذاهب را به مثابه شهروندان متساوی الحقوق تلقی می‌کند، ضمناً تا آن جا که به آداب و سنن و شعائر مذاهب مختلف به مثابه مسائلی که امور مربوط به مذاهب مختلف تلقی می‌شود، دولت موقت انجام آزادانه آن را تضمین می‌کند. در رابطه با این طرح توضیح چند مسأله ضروری است. اول مسأله وجود کلمه «اسلامی» در نام دولت موقت است. بسیاری وجود آن را دلیل بر اسلامی بودن دولت موقت آینده می‌دانند و می‌گویند که صفت دمکراتیک نمی‌تواند تمایزی بین دولت موقت آینده و دولت حاکم کنونی از این نظر ایجاد کند. افرادی که این مسأله را پیش می‌کشند به چندین دسته تقسیم می‌شوند. عده‌ای اصولاً از طرح شورا که در بالا تشریح شد و از برنامه شورا به طور مستقیم اطلاع نداشته و تنها به طور شفاهی از این و آن در این رابطه مسائلی را شنیده‌اند. عده‌ای بیش از آن که بخواهند مسائل را به «دقت» مورد بررسی قرار دهند، در تجزیه و تحلیل این گونه مسائل «وسواس» فلسفی نشان می‌دهند و سرانجام عده‌ای نیز به خوبی به ماهیت طرح شورا واقف هستند، اما به علت این که بنا به دلایلی مخالف شورا هستند، این مسأله را بهانه قرار داده و با عوام‌فریبی می‌خواهند ضعف خود را در یک مبارزه سیاسی شرافتمندانه بپوشانند. عوام‌فریبی و عدم صداقت دسته سوم به خصوص وقتی روشن می‌شود که اینان به خمینی اشاره می‌کنند و می‌گویند که خمینی هم وقتی در پاریس بود همین حرف‌ها را می‌زد. البته این دسته افراد هیچ گاه برای ادعاهای خود سندی ارائه نمی‌دهند. خمینی در پاریس به طور دقیق از یک حکومت اسلامی دفاع می‌کرد. وی البته جاه‌طلبی ادعا را مطرح می‌کرد که اسلام مورد اشاره او، حق مردم را محترم می‌شمارد. این ادعاهای او که عموماً به طور کلی مطرح و فاقد هرگونه مبانی برنامه‌ای بود به هیچوجه با اسناد مورد دفاع ما که به طور مشخص و دقیق مسائل را مطرح و پیرامون آن اتخاذ موضع شده، قابل مقایسه نیست. کسانی که مدعی می‌شوند که دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی به خاطر وجود کلمه اسلامی یک دولت مذهبی است، در واقع به محتوی قوانین، اصول و روش‌هایی که این دولت به ازاء آن تعریف می‌شود، توجه نمی‌کنند. اما کسانی که مدعی می‌شوند که خمینی هم قبل از رسیدن به قدرت همین مسایل را مطرح می‌کرد، کاری جز عوام‌فریبی نمی‌کنند. اما در مورد افراد دسته اول و دوم که یا از سروسواس و یا به علت عدم آگاهی دقیق از نظرات شورا اظهار می‌دارند که دولت موقت پس از سرنگونی یک دولت مذهبی است باید یادآور شد که سدها فین یک دولت مذهبی همواره تاکید کرده و می‌کنند که مشروعیت قوانین آن‌ها در اساس از مذهب ناشی شده و اگر هر قانونی با مذهب مورد دفاع آنان در تناقض باشد، آن قانون قابل قبول و اجرایی نیست. علاوه بر این هر دولت مذهبی در مورد مقامات اصلی کشور و به ویژه در مورد نهاد دادگستری و قضاوت به اعتقاد مسؤلین آن به مذهب مشخصی که از آن دفاع می‌کنند، تاکید می‌کنند. در حالی که شورای ملی مقاومت تصریح و تاکید کرده که «صلاحیت مقام‌های قضایی ناشی از موقعیت مذهبی و عقیدتی آنان

پیام خانم رجوی به مناسبت روز جهانی زن

۱۷ اسفند ۷۲: به مناسبت روز جهانی زن، خانم مریم رجوی رئیس جمهور آینده ایران پیامی خطاب به زنان آزاده ایران فرستاد. خانم مریم رجوی در این پیام رادیو و تلویزیونی با تبریک روز زن و با یقین به رهایی محتمل زن ایرانی از توحش و بربریت خمینی گفت: به راستی که در روز جهانی زن، زن ایرانی شایسته ترین زنی است که باید جشن بگیرد و به پایداریش در برابر رژیم ضد بشری خمینی افتخار کند. رئیس جمهور آینده ایران خطاب به زنان آزاده میهنمان افزود: یقین کنید که رژیم خمینی رفتنی است، رهایی واقعی و امکان پذیر است و زن، محکوم به پذیرفتن آن چه بر او تحمیل شده نیست.

۸ مارس در الجزایر

زنان الجزایر، بی اعتنا به تهدیدهای مسلمانان افراطی، در روز ۸ مارس به نشانه مخالفت با کوشش‌های دولت برای گشودن باب مذاکره با ایوبزیسیون بنیادگرای اسلامی دست به تظاهرات زدند. به گزارش رادیو آمریکا (۱۸ اسفند) «تظاهرکنندگان که برخی گل و یا عکس زنان کشته شده را حمل می‌کردند، در حالی که با صدای بلند شعار «نه حجاب، نه لباده، نه ایران و نه سودان» را تکرار می‌کردند و می‌گفتند «الجزایر مال الجزایری هاست و باید کشوری مدرن باقی بماند» از خیابان‌های پایتخت الجزایر عبور می‌کردند.

نیست» و «قانونی که ناشی از مرجع قانون‌گذاری کشور نباشد، رسمیت و اعتبار نخواهد داشت». با چنین مواضعی صریح و بدون اما و اگر، به هیچوجه نمی‌توان دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی را یک دولت مذهبی نامید. البته بسیاری افراد هستند که معتقدند دولت موقت پس از سرنگونی رژیم یک دولت غیر مذهبی است، با این حال با وجود کلمه اسلامی در نام دولت موقت مخالفند. این گروه از افراد خود به خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول کسانی هستند که ضمن حفظ نظر و مخالفت خود از شورای ملی مقاومت ایران به طور کامل حمایت می‌کنند، به نظر من دفاع ایشان از شورا یک قیام به وظیفه و مخالفتشان یک حق و موضع قابل احترام است. اما دسته دومی هم وجود دارند که علیرغم همه‌ی موافقت‌ها، تنها به خاطر مخالفت با وجود کلمه اسلامی در نام دولت موقت، زیر بار حمایت از شورا نمی‌روند، به نظر من یا موافقت‌های این گروه از افراد صادقانه نیست و یا دلیل مخالفت خود را به خوبی نمی‌دانند و یا بدتر از همه آن که این گروه افراد شرط یک کار مشترک را نایید همه مواضع آن‌ها از جانب دیگران می‌دانند. امری که بیان کننده یک تفکر ضد دمکراتیک است. با این حال برای کسانی که واقعاً مدافع سرنگونی فخرآمیز رژیم حاکم بر میهن ما به مثابه یک رژیم استبدادی و مذهبی و استقرار دمکراسی و آزادی هستند، راه بحث و تبادل نظر در این باره کاملاً باز و از آن کاملاً استقبال می‌شود.

در شماره آینده بحث طرح‌های شورا را ادامه می‌دهیم.

مهدی سامع

اسفند ۷۲

بهاران خجسته باد

هوادلپذیرشد

گل از خاک بردمید

پرستو به بازگشت زردنغمه امید
به جوش آمد از خون درون زگ گیاه
بهار خجسته باز خرامان رسد ز راه
به خویشان، به دوستان، به یاران آشنا،
به مردان تیزخشم که پیکار می کنند
به آنان که با قلم تباهی درد را
به چشم جهانیان پدیدار می کنند

بهاران خجسته باد.

بهاران خجسته باد

و این بند بندگی، و این بار فقر و جهل
به سرتاسر جهان،

به هر صورتی که هست،

نگون و گسسته باد

به خویشان، به دوستان، به یاران آشنا،
به مردان تیزخشم که پیکار می کنند
به آنان که با قلم تباهی درد را
به چشم جهانیان پدیدار می کنند

بهاران خجسته باد

بهاران خجسته باد

اکرامت دانشیان،

احسان نراقی از ترور سلمان رشدی دفاع

می کند

روزنامه کیهان رژیم طی چهار شماره
مصاحبه ای با احسان نراقی کرده است. احسان نراقی
این یادوی محافل استعماری در قبال مسائل مختلف
به طرح دیدگاه های خود می پردازد. ولی در این
مصاحبه از اجرای فتوای خمینی در مورد سلمان
رشدی صریحاً دفاع می کند.
بعضی صحبت های احسان نراقی در مورد فتوای
خمینی را از شماره ۱۵/اسفند/۷۲ کیهان رژیم نقل
می کنیم.

- «همان طوری که قبلاً در نوشته های دیگرم
گفتم، وقتی که خبر فتوا را شنیدم خوشحال شدم.»
- «این فتوایی است که باید اجرا بشود.»
- «بند حریفی ندارم. فتوای امام اجرا
می شود. اعتراضی ندارم، ولی دلم می خواهد توجیه
شوند.»

- «اگر می خواستم بگویم به قضاوت غرب
اهمیت بدهید، می گفتم فتوا باطل است. پس من
فتوا را قبول دارم و باز می گویم به نظرات آن ها
اهمیت ندهید.»

اطلاعیه ستاد فرماندهی مجاهدین خلق ایران در داخل کشور

سلسله عملیات

مجاهد شهید مجیدرضا ابراهیمی

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل
کشور در تاریخ ۲۷/اسفند/۷۲ طی یک
اطلاعیه اخبار سلسله عملیات رزمندگان
دلیر مجاهد خلق را به اطلاع عموم رساند. این
اطلاعیه بیش از ۳۰ عملیات را گزارش نموده
است. قطع ۱۴ لوله نفت در مناطق نفتی
موسیان و بیات با ۵۶ انفجار یبایی، خمپاره
باران و انهدام پادگان پشتیبانی لشکر ۱۴ سپاه
پاسداران، درهم کوبیدن فرارگاه فرماندهی
نیپ ۲۱ سپاه پاسداران، انهدام و به آتش
کشیدن ده ها ساختمان، انبار، زاغه مهمات و
تاسیسات مختلف سپاه دشمن و تهاجم به یک
گردان تکاور، ازبای درآمدن بیش از ۳۰۰ تن
از پاسداران و مزدوران سرکوبگر، انهدام بیش از
یک صد خودروی دشمن، تهاجم به پایگاه ها
و خودروهای مزدوران و اقدامات اعتراضی و
تبلیغی در ۲۳ شهر از جمله عملیاتی است که
در اطلاعیه ستاد فرماندهی مجاهدین خلق در
داخل کشور به آن اشاره شده است. در این
عملیات فرماندهان ۶ تن از رزمندگان
دلیر مجاهد خلق به نام علی نوری، علی
کاظمی، بهروز مجدآبادی، لقمان حاج خانیان،
عبدالله توحیدی و محمدرضا عدالتیان در
پیکار قهرمانانه علیه مزدوران رژیم به شهادت
رسیدند.

عملیات بزرگ رزمندگان دلیر مجاهد خلق
انعکاس وسیعی در شهرهای مختلف کشور داشته
و مورد استقبال مردم شهرهای مختلف قرار گرفته
است. ما شهادت رزمندگان دلیر مجاهد خلق
را به مردم ایران به سازمان مجاهدین خلق
ایران و به رزمندگان دلیر آزادی تسلیم
می گوئیم.

آخوندها و ورزش زنان

از صفحه ۸

و در آخر هم می گوید «حدود و ثنور ورزش نا حفظ
معیارهای اسلامی در سلامت و نشاط زنان جامعه
بسیار مؤثر است. اگر آن را در مسیر درست هدایت
کنید من قول حمایت در این جهت را می دهم.»
صحبت ها روشن است. کارنامه ننگین رژیم
آخوندی در تمامی زمینه ها در پیش چشم همه
است. در این زمینه نیز آن گاه که به اجبار و
فشارهای اجتماعی مجبوره پرداختن به آن می شود
جز پیش بردن خطوط ارتجاعی و عقب افتاده و

رویای بهار

اسماعیل وفا یغمایی

خوابم به گل نشست و بهار آمدم به خواب
با جامه ای ز شبنم و لبخند و آفتاب
با چهره ای ز برگ گل و بوی خوب خاک
با دیده ای ز نورگس و اشکی در آن، گلاب
در آن گلاب اشک، چه دیدم چو در چکید
از چشم او به دیده من در عمیق خواب
محرم نمانده هیچکس ای دوست و رنه آه
می گفتم آنچه بود در آن اشک، در حجاب
با من بهار گفت: نکه کن چه بوده ای
که باد و گاه آتش و گاه خاک و گاه آب
که پرتو ستاره گمنام دور دست
تا بیده از عمیق شبی تا کجا؟ سراب
چرخان میان ساقه گندم چو خون نان
حیران میان شاخه انگور تا شراب
غلغل کنان ز رطل طبیعت به جام خاک
از شیب نا گشوده اسرار، تا شباب
و آنکه دو باره شیب و از آن شیب در نشیب
گم گشته در تلاطم عالم یکی حباب
تا باز آن حباب کجا رخ عیان کند
نا داده است هیچ کس این راز را جواب
هر کس فسانه ای به لب آورد و دور چرخ
آن را فرو کشید و نهان کرد با شتاب
برخیز ای جرقه فانی که از ازل
تا بیکرانه یکسره رازست ناب ناب
عبادت و چارعنصر هستی زشش جهت
بنگر! چگونه یکسره آمد در انقلاب
گل در چمن دوباره به رقص است و زلف بید
در دست باد عید در آمد به پیچ و تاب
دستی بر آر و جامی و برکش ترانه ای
« زآن پیش تر که عالم فانی شود خراب »
سهمی ز هستی از تو و با تو ست باز کن
چشمان خویش! صبح بهارست و آفتاب

۲۶ / اسفند / ۱۳۷۲

استفاده تبلیغی قصد دیگری ندارد. ورزش به
طور کلی و مخصوصاً ورزش زنان میهنمان جز با
سرنگونی این جنایتکاران و آمدن دولتی ملی و
مردمی سروسامانی نخواهد یافت.

آخوندها و ورزش زنان

— اصفرادیبی

این روزها اگر به نشریات رژیم نگاه کنید، مطالب زیادی به ورزش بانوان اختصاص یافته که در گذشته بدین شکل و در این ابعاد سابقه نداشته است. با توجه به تشدید جوفشار بر زنان کشور، این سوال به ذهن خطور می‌کند که چه اتفاق غیرمترقبه‌ای افتاده که ورزش برای آخوندها در حال حاضر اهمیت یافته است؟ آیا به واقع رژیم درامور ورزش به سیاستی دیگر و جدا از سایر مسائل زنان رسیده، ویا آخوندها شیوه‌ای برای زنان پیدا کرده‌اند که هم می‌توانند ورزش نمایند و در میدان‌های بین المللی حضور یابند و هم مرتکب گناهان کبیره نگردند، و خلاصه داستان چیست؟ نگارنده سعی می‌نماید در این نوشته کوتاه قصد وهدف رژیم را از این امر تشریح نماید.

فشار و سرکوب طاققت فرسا در مورد زن ایرانی امروز مسأله‌ایست که نه در ایران و نه در سطح بین المللی هیچکس منکر آن نیست. اما رژیم ادعا می‌کند که در ایران بیشترین وسایل «بیشرفت و ترقی» را برای زنان فراهم آورده است اما در عمل زن ایرانی مشاهده می‌کند که روز به روز بیشتر مورد تحقیر و اهانت قرار می‌گیرد. درون رژیم نیز دیدگاه یکسانی نسبت به زنان وجود ندارد. به طور مثال عده‌ای کاملاً مخالفند که زن وارد هر نوع فعالیت اجتماعی - سیاسی گردد. عده‌ای دیگر این حد تحقیر و فشار را جایز ندانسته و آن را سبب یک انفجار اجتماعی می‌دانند. بنابراین خواستار آنند که در بعضی فعالیت‌های غیر کلیدی و کم اهمیت زنان را وارد کنند تا موج مخالفت زنان را تخفیف دهند. سیاست ورود چند زن به مجلس ارتجاع در همین راستاست، ولی همین چند زن در مجلس آخوندی حتی از داشتن یک کمیسیون زنان در مجلس محروم می‌شوند.

در مورد ورزش زنان، سه سال قبل دختر رفسنجانی ربه ریاست کمیته بین المللی المپیک منصوب کردند تا نشان دهند که به ورزش زنان توجه دارند. در دوران شاه نیز پسر ۱۶ ساله شاه رادر رأس دستگاه ورزش قرار دادند. لاید پسر شاه و دختر رفسنجانی به طور زتیک صلاحیت اداره امور ورزش کشور را دارند. بعد از انتصاب دختر رفسنجانی و فعالیت ها و ملاقات‌های او با آخوندها، سران رژیم متوجه «اهمیت» ورزش برای بانوان گردیدند از آن جاکه فعالیت‌های ورزشی در داخل اصلاً پاسخگوی نیاز زنان ورزشکار نبود و شرکت زنان در مسابقات آسیایی و بین المللی هم امکان پذیر نبود (طی پانزده سال حکومت ننگین آخوندی فقط ۲ ورزشکار زن در مسابقات بین المللی در رشته تیراندازی شرکت کرده‌اند که آن هم باعث مسخره همه گردید) آخوندها به فکر برگزاردن مسابقاتی با دیگر کشورهای اسلامی و همسایه گردیدند. رفت و آمدهایی را با این کشورها شروع کردند تا در نهایت با پذیرفتن همه هزینه‌ها در اول بهمن سال گذشته اولین دوره بازی‌های «همستگی بانوان کشورهای اسلامی» را در تهران برگزار کردند. در این مسابقات کشورهای تاجیکستان، آذربایجان، ترکمنستان، قرقیزستان، پاکستان، سوریه، مالدیو، بنگلادش

لیل هامر - پایان المپیک زمستانی

مسابقات المپیک زمستانی در شهر لیل هامر (نوروز) در روز یکشنبه ۲۷ فوریه به پایان رسید. این مسابقات که از ۲ هفته قبل شروع شده بود، با توجه به هوای فوق العاده سرد نوروز، مشکلاتی را برای بعضی ورزشکاران که به این مقدار سرما عادت نداشتند به وجود آورده بود. مسابقات با شکوه و نظم خاصی برگزار گردید. کشور کوچک نوروز علیرغم دریافت ۲۶ مدال (۱۰ طلا، ۱۱ نقره و ۵ برنز) فقط به دلیل این که یک مدال طلا از روسیه کمتر گرفته بود و در مسابقات المپیک مدال طلا در درجه اول محاسبه می‌شود در مقام دوم قرار گرفت. فروپاشی اتحاد شوروی و پدید آمدن کشورهای متعدد قدرت ورزشی، ابر قدرت مطلق ورزش را به شدت کاهش داده است. روسیه با ۱۱ طلا و ۸ نقره و ۴ برنز (مجموع ۲۳ مدال) در مقام اول قرار گرفت، آلمان هم در مجموع بیشتر از روسیه مدال گرفت، ۹ طلا، ۷ نقره و ۸ برنز (مجموع ۲۴ مدال) و در مقام سوم قرار گرفت. مقام‌های بعدی را ایتالیا و کره جنوبی صاحب شدند. کره جنوبی اکنون به قدرت شماره یک ورزش آسیا بدل شده است در حالی که کره جنوبی در درجه ششم مسابقات بین المللی قرار گرفت راین در مقام یازدهم و چین مقام نوزدهم را به خود اختصاص داد. شکست غیرمترقبه فرانسه که در المپیک قبلی مدال‌های متعددی را تصاحب کرده بود، بسیار ریخت انگیز بود. آن‌ها حتی یک مدال طلا به دست نیاوردند. مشکلات ورزشی فرانسه فقط به ورزش‌های زمستانی منتهی نمی‌شود و در سایر رشته‌ها مانند فوتبال، تنیس و... است ورزش در فرانسه، که بیشترین توجه و سرمایه‌گذاری در آن شده، به یک خانه تکانی کامل احتیاج دارد. بسیاری از کشورها در این مسابقات شرکت کردند هر چند که مدالی به دست نیاوردند. نقش شرکت خود امری مهم است. رژیم مغفور آخوندی ورزشکاران ایرانی را از شرکت در این مسابقات محروم نمود. سیاست جداسازی بیست‌های اسکی برای مردان و زنان توسط ملاها ضربه کاملی به این ورزش وارد کرده است. در حالی که شرایط جغرافیایی کشور ما به گونه‌ایست که می‌توان روی ورزش‌های زمستانی کاملاً تار کرد، آخوندها با سیاست‌های مخرب و ارتجاعی خود، جوانان کشور ما را از شرکت در این گونه مسابقات محروم کرده‌اند. مسابقات المپیک زمستانی لیل هامر با تقسیم ۱۸۳ مدال در ۶۱ رشته با انجام مراسم پایانی بسیار زیبا به کار خود پایان داد.

می‌پردازد» با همکاری با کشورهای اسلامی که ضرورت ورزش را می‌فهمند امکانات سالم ورزشی را ایجاد کنید. یک طرف شما باید و یک طرف دیگران. باید کار یک دفعه نباشد و فقط ضعف از شما نگیرند. ورزش خانم‌ها از کارهای مهم است، آنان را متقاعد کنید ورزش انفرادی را در شرایط مناسب داشته باشند، ورزش‌های تیمی و رقابت‌های بین المللی در سطوح بعدی اهمیت قرار می‌گیرند»

و مالی شرکت کردند. تعداد شرکت کنندگان را ۴۰۶ نفر اعلام کردند. با توجه به تعداد زیاد شرکت کنندگان ایرانی که ارقام آن را اعلام نمی‌کنند، ولی در درجه بندی مسابقات به خوبی مشاهده می‌شد، کشورهای دیگر با تعداد محدودی به این مسابقات آمدند. بعضی از آن‌ها دارای مربیان مرد بودند و تعداد زیادی از آن‌ها در مسابقات المپیک جهانی در قسمت زنان شرکت کرده بودند. در جریان مسابقات سال گذشته ابتدا تضادهای درونی آخوندها شدت پیدا کرد و بسیاری از آخوندها حتی نشان دادن مراسم افتتاحیه را به شدت مورد انتقاد قرار دادند. بعد هم در طول مسابقات آن قدر ورزشکاران خارجی را مورد اذیت و آزار قرار دادند که بعضی از آن‌ها همان جا صداشان درآمد. مربی تیم‌هایی که مرد بودند، حق ورود به سالن را نداشتند و می‌بایست از پشت درب سالن تیم خود را هدایت کنند. این جریانات باعث گردید که علیرغم تلاش دختر رفسنجانی به عنوان سرپرست این مسابقات کسی حاضر به شرکت در این مسابقات برای دوره‌های بعد نگردید و بنا بر این رژیم که در مشکل بی‌آبرویی گیر کرده به شیوه آخوندی «سالگرد اولین دوره بازی‌های ورزش بانوان کشورهای اسلامی» را اعلام می‌کند، واقعاً که وقاحت آخوندی حد و مرز ندارد. در ورزش سابقه نداشته است که برای یک رویداد ورزشی که می‌تواند طبق جدول و برنامه تنظیمی انجام شود، سالگرد برگزار نمایند. اما آخوندها این کار را کردند. ابتدا تعدادی زن را با چادر و چاقچور نزد ناطق نوری بردند. او به آن‌ها گفت که ورزش خوب است، اما کلی خط و نشان برای زنان کشید که مبادا کار خطایی انجام دهند. بعد هم روز شنبه ۲۳ بهمن ۷۲ بر سر قردجال رفتند و احمد خمینی آن‌ها را دیدیم. در این دیدار دختر رفسنجانی گزارش مسابقات پارسل را داد بدون این که توضیح دهد که چرا این مسابقات امسال انجام نمی‌شود. سپس احمد خمینی برای آن‌ها صحبت می‌کند. از صحبت او مشکلات داخلی برای برگزاری این بازی‌ها روشن می‌شود. او می‌گوید «باید ورزش بانوان در تمامی رشته‌ها جایگاه خود را بازیابد و میادین ورزشی از گناه پاکیزه باشند» و «یا اگر امروز ورزش بانوان به درستی هدایت نشود، بدانید که سالیان سال جامعه زنان ما از ورزش و ایفای نقش اجتماعی خود دور خواهد ماند. گفتن حرام، خلاف شرع و عدم زیندگی با منزلت زن، برای بعضی‌ها که مرد عمل نیستند آسان است. امروز احتیاط در انجام وظایف و امور اجتماعی دقیقاً خلاف احتیاط است. زیرا به صرف احتیاط نمی‌توانیم مانع یک امر حلال شویم».

سپس این قافله به نزد رفسنجانی می‌روند، صحبت او روشن‌تر است. «باید این پیشداوری نادرست که ورزش بانوان مساوی است با اختلاط‌های مضروب بندهواری، را از آذهان مردم (بخوانید آخوندها) پاک کرد. اگر ما با عدم مراعات جهات اخلاقی و شرعی اقداماتی نکنیم به خودمان ضربه زدیم و به تحقق تفکرهای نادرست کمک کردیم. و آن‌گاه به مشکلات خارجی

پیشرفت سریع تاریخ

افشین ج

معمولاً نبض تاریخ آنگذراسته می زند که تغییر وقایع مهم در مدت کوتاه به سختی قابل تشخیص است و به دلایل گوناگون شکل گیری یک واقعه مهم تاریخی به زمان طولانی و صرف انرژی و تلاش زیادی احتیاج دارد. ولی در چند سال گذشته بعکس سال های قبل آن تاریخ دچار ضربان قلب شدیدی شده به طوری که وقایع مهم یکی بعد از دیگری و با سرعتی غیرقابل تصور اتفاق می افتد. پایان جنگ سرد و تحولات بعد از آن در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی، تحولات آفریقای جنوبی، کامبوج و ملاقات با سرعفات بارابین درواشنگتن وقایع تاریخی مهمی است که چند ماه قبل از به وقوع پیوستن آن ها امکان چنین تحولاتی حتی برای مجرب ترین تحلیل گران غیرقابل تصور بود. چه کسی می توانست پیش بینی کند که:

* جنبش همبستگی به عنوان یک اتحادیه کاری فعالیت خود را تحت حکومت کمونیستی آغاز کرده و در ۴ ژوئن ۱۹۸۹ قدرت را در لهستان به دست بگیرد و پس از چند سال همین جنبش همبستگی دچار چنان تفرقه شود که در انتخابات باشکست سخت رو بر شود.

* دیوار برلین در ۹ نوامبر ۱۹۸۹ از میان برداشته شود. * پایه گزار کنگره ملی آفریقانلئون ماندلا در ۱۱ فوریه ۱۹۹۰ از زندان آزاد گردد.

* ۱۵ سال جنگ داخلی لبنان در ۳ دسامبر ۱۹۹۰ خاتمه یابد.

* اتحاد جماهیر شوروی در ۸ دسامبر ۱۹۹۱ سقوط کند. * اف - دیبلو کلارک و رئیس کنگره ملی آفریقانلئون ماندلا بر سر انتخابات عمومی در آفریقای جنوبی بر مبنی هر نظریک رأی به توافق برسند.

* جنگ داخلی کامبوج پایان گرفته و حکومت ائتلافی در ژوئیه ۱۹۹۳ تشکیل گردد.

* سازمان آزادیبخش فلسطین و اسرائیل قرارداد صلح را در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ امضاء کنند.

به وقوع پیوستن این تحولات آنهم با این سرعت و یکی بعد از دیگری سوالات چندانی را بر نمی انگیزد. آیا وجوه مشترکی در این تحولات وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت است این وجوه اشتراک چیست؟ آیا نتیجه این تحولات می تواند در آینده هم اتفاق بیافتد؟ چه عواملی می توانند روری این تحولات تأثیر داشته باشند...

البته تجزیه و تحلیل این وقایع و یافتن درک درستی از آن ها به سال ها مطالعه و تحقیق احتیاج دارد. هنوز تاریخ نویسان در مورد دلایل واقعی سقوط امپراطوری رم به توافق نرسیده اند، چه رسد به باز یافتن حقایق موجودی پدیده این تحولات مهم. آنچه درباره این تحولات می توان بااطمینان گفت وجه اشتراک آن ها است و اینکه این تحولات چه سمت و سوی مشترکی داشته اند و آیا در آینده هم ادامه خواهند یافت یا نه. با مقایسه حکومت ها و وضع سیاسی - اجتماعی حاکم بر مردم دنیا قبل و بعد از این تحولات می توان دریافت که:

۱- تعداد رژیم های خودکامه و مستبد در جهان پس

از این تحولات به مراتب کمتر از تعداد آن ها قبل از به وقوع پیوستن این اتفاقات مهم است. دیکتاتوری های حاکم بر کشورهای اروپای شرقی، شوروی، کامبوج یکی بعد از دیگری ساقط شدند و جایی خود را در بیشتر این کشورها به هیأت های حاکمه جدید دادند. در نتیجه از تعداد رژیم های خودکامه در جهان کم شده است. گرچه هنوز تعدادی از این قبیل رژیم ها همچون رژیم ملایان حاکم بر ایران بر سر کارند ولی روند سمت و سوی این تحولات نشان دهنده این واقعیت است که دوران گذشته به پایان آمده. در واقع به دنبال سقوط یکی بعد از دیگری این رژیم ها جبهه جهانی آن هائهی گشته و در سطح بین المللی و همچنین در بین مردم دنیا منوروی تروضعیف ترمی کردند. تأثیر زنجیره ای این تحولات از یک طرف نیروهای سرکوبگر و حامی این رژیم ها را دلسرد کرده، آن ها را تحلیل می برد و از طرف دیگر مردم تحت ستم را تشویق به مبارزه علیه آن ها و دستیابی به خواست های به حق خود می نماید. بنابراین باید انتظار داشت که این رژیم ها در آینده نیز سر فروپاشی و زوال راطی کنند. البته واضح است که این تأثیرات در کاهش طول عمر رژیم های خودکامه ای که در مقابلشان یک مقاومت سازمان یافته مردمی قرار دارد به طور مضاعف عمل کند.

۲- نگاهی به وضع سیاسی - اجتماعی مردم جهان قبل و بعد از این تحولات به خوبی نشان می دهد که آزادی های فردی - اجتماعی، احترام به حقوق بشر و در مقابل سرکوب، دموکراسی و رودر رویی با دیکتاتوری، صلح و ثبات در مقابل جنگ و آشوب در حال پیشروی است. برقراری آزادی و نااندازه ای دموکراسی در اروپای شرقی و به طور نسبی در جمهوری های جدا شده از شوروی، برخورداری سباهان آفریقای جنوبی از آزادی های فردی - اجتماعی، برگزاری انتخابات آزاد در کامبوج، احترام به حقوق بشر در این کشورها، پایان درگیری ها در آفریقای جنوبی و بطور نسبی در کامبوج، لبنان، سرزمین های اشغالی در خاورمیانه نمونه هایی از این تغییر است. پیشرفت های حاصل در مسیر صلح جهانی و ادامه تقویت سلاح های تخریب دستمعی در سطح جهان، با فشاری جهان بر رعایت حقوق بشر که منجر به تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین و تصویب قطعنامه ای از طرف مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر تشکیل کمیساریای عالی حقوق بشر برای نظارت بر رعایت حقوق بشر در جهان گردید نشان دهنده این مطلب است که اولاً دوران سرکوب و نقض حقوق ملت ها به سمت دوران احترام به حقوق بشر و برقراری دموکراسی و صلح حرکت می کند و ثانیاً حرکت در این راستا در آینده هم چنان ادامه خواهد یافت. تغییر حکومت های دست راستی در غرب از جمله تغییر حکومت امریکا و پیروزی کلینتون، شکست دست راستی ها در اسرائیل، زاین و کانادا از یک طرف و تضعیف روز بروز جبهه مشترک مخالف این حرکت در سرعت بخشیدن به این تحولات در آینده بی اثر نخواهد بود. در این مورد البته باید شکست سوسیال دموکرات ها در اروپا و تقویت جبهه راست افراطی را نیز در نظر داشت.

۳- نکته دیگری که در این تحولات به آن می توان به عنوان وجه اشتراک اشاره کرد، نقش رهبران لایق و سازمان های سیاسی متشکل و قوی مشتاق این

تحولات است که بدون شک در سرعت بخشیدن و به ثمر رساندن این تحولات سهم بسزایی داشتند. گرچه تحولات سمت و سوی برقراری صلح، دموکراسی و رعایت حقوق بشر داشت ولی بدون رهبرانی چون گورباچف، ماندلا - کلارک، عرفات - رابین، ... و سازمان هایی چون کنگره ملی آفریقا، سازمان آزادیبخش فلسطین و... این چنین پیشرفت هایی حاصل نمی گشت. در همین رابطه باید انتظار داشت که در آینده نیز ملت های تحت ستمی که از یک مقاومت سازمان یافته قوی و شناخته شده و رهبری لایق برخوردارند با سرعت بیشتری این مسیر را طی کرده به پیروزی برسند. این امر در رابطه با ملت ایران که مقاومت شکل گرفته و شناخته شده ای چون شورای ملی مقاومت دارند صدق می کند.

۴- وجه مشترک دیگری که در این تحولات می توان یافت جبهه مشترک جهانی همراه و مخالف این تحولات است. در حالی که مردم تحت ستم دنیا و نیروهای آزادیخواه و خواهان برقراری صلح و دموکراسی و رعایت حقوق بشر از این تحولات استقبال می کنند، حکومت های خودکامه و مستبد دنیا، نیروهای ارتجاعی، سرکوبگر و آن هایی که منافشان با برقراری صلح و دموکراسی در تضاد است در جبهه مخالف این تحولات قرار دارند. نکته ای که باید در این جابه آن دوباره اشاره کرد تغییر است که در وضعیت این دو جبهه در مسیر این تحولات به وجود آمده. با واقع شدن هر یک از این تحولات جبهه مخالف با زدن دست دادن یک یا چند رژیم خودکامه تضعیف شده و با افزوده شدن به جبهه همراه این تحولات آن را تقویت کرده است. بنابراین با امروز زمان جبهه مخالف این تحولات ضعیف تر و منوروی تر شده است. نکته دیگری که شایان توجه است شرکت فعال رژیم ملایان در جبهه مخالف این تحولات می باشد. در مخالفت با این تحولات به سودشیریت، دشمن ضد بشر یعنی رژیم آخوندی نه تنها علناً با هر یک از این تغییرات مخالفت کرده (بطور مثال تا آخرین روز از جانوشک و کوحماییت نمودی از کودتاگران روسیه پشتیبانی کرد و با عنوان یک مانع خاتمه جنگ داخلی لبنان تا آخرین لحظات مخالفت نموده و با بطور فعال علیه برقراری صلح در خاورمیانه اقدام کرد و می کند) بلکه با حمایت همه جانبه از نیروهای ارتجاعی و بنیادگرای منطقه مانع آن شد که مردم کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی از آثار این تحولات بهره مند شوند. تجربه الجزایر، اردن، مصر و... بیانگر همین حقیقت است.

آن چه در بالا آمده وجوه مشترک و سمت و سوی این تحولات بود. با به وقوع پیوستن هر یک از این اتفاقات مهم تاریخی جبهه مخالفین این تحولات منوروی تروضعیف ترووجه موافقین قوی ترمی گردد. بنابراین باید انتظار داشت که این تحولات با مخالفت ضعیف تری ادامه یابد. و رژیم های خودکامه یکی بعد از دیگری سقوط کنند. از آن جا که رژیم ملایان حاکم بر همین تحت ستم مان در مخالفت با این تحولات و بعنوان یک مانع در پیشرفت نتیجه آن در منطقه عمل کرده است، از میان برداشتن آن یک پیروزی بزرگ نه تنها برای مردم ایران بلکه موفقیت بزرگ تری برای حامیان این تحولات و پیشرفت های بشری خواهد بود. پس در صفحه ۶

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

محمد چوپان زاده، عزیزسرمدی، احمد جلیل افشار و مجاهدین خلق، کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل در تپه‌های اوین توسط مزدوران ساواک شاه
 ۱۳۵۷/۱/۲۲ - پایان موفقیت آمیز اعتصاب غذای ۲۹ روزه زندانیان سیاسی در زندان قصر
 ۱۳۵۸/۱/۵ - حمله مزدوران رژیم خمینی به مردم سندج (نوروزخونین)
 ۱۳۵۸/۱/۶ - آغاز جنگ تحمیلی به مردم ترکمن صحرا توسط رژیم جمهوری اسلامی
 ۱۳۵۸/۱/۱۲ - انجام اولین رفواندوم ضد دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی
 ۱۳۵۸/۱/۱۸ - شهادت دانشجوی مبارز ناصرتوفیقین در حمایت از راهپیمایی کارگران بیکار شهر اصفهان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی
 ۱۳۵۸/۱/۳۱ - حمله مزدوران رژیم خمینی به متوسازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در آبادان
 ۱۳۵۹/۱/۶ - قتل عام مردم دهکده قلاتان در کردستان توسط رژیم خمینی
 ۱۳۵۹/۱/۱۹ - قطع رابطه سیاسی آمریکا با رژیم خمینی
 ۱۳۵۹/۱/۲۹ - یورش جنایت کارانه نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به شهر سندج و آغاز جنگ یک ماهه در داخل شهر و نیز آغاز دور دوم جنگ علیه مردم کردستان
 ۱۳۶۱/۱/۴ - شهادت رفیق فدایی محمد حرمتی پور و چهار نفر از یارانش در جنگ‌های مازندران
 ۱۳۵۷/۱/۱۷ - عملیات قهرمانانه پرسنل نظامی مجاهد خلق علیه مزدوران رژیم خمینی در پادگان لویزان
 ۱۳۶۲/۱/۸ - قتل عام مردم روستای کانی رش و پیران جبع در کردستان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی
 ۱۳۶۶/۱/۲۸ - تصویب طرح حقوق زنان در شورای ملی مقاومت

روزهای جهانی

۲۱ مارس برابر با اول فروردین - روز بین المللی مبارزه علیه تبعیض نژادی
 ۲۷ مارس برابر با ۷ فروردین - روز بین المللی کتاب کودک
 ۷ آوریل برابر با ۱۸ فروردین - روز جهانی بهداشت

خارجی

از ۲۱ مارس تا ۲۰ آوریل

۲۶ مارس ۱۷۷۰ - تولد لودویک بتهوون موسیقی‌دان بزرگ
 ۲۸ مارس ۱۸۷۱ - تشکیل کمون پاریس، نخستین حکومت کارگری در جهان
 ۲۸ مارس ۱۸۸۶ - تولد ماکسیم گورکی نویسنده بزرگ روس
 ۱۱ آوریل ۱۹۱۹ - تور امیلیانو زاباتا از رهبران مردمی مکزیک
 ۴ آوریل ۱۹۴۵ - آزادی کشور مجارستان از سلطه دولت فاشیستی هیتلر
 ۹ آوریل ۱۹۴۸ - قتل عام وحشیانه صدها نفر از مردم فلسطین در روستای دیربایسین
 ۱۷ آوریل ۱۹۵۷ - گشایش نخستین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در باندوک (اندونزی). در این کنفرانس شخصیت‌های ملی و مردمی بسیار همچون دکتر سوکارنو و جمال عبدالناصر شرکت داشتند.

اخبار و رویدادها

اعدام یک یهودی توسط رژیم

رادیو اسرائیل ۱۷/اسفند ۷۲: «جمهوری اسلامی در شماره امروز خود خبر اعدام یکی از سالخوردگان یهودی را مورد تأیید قرار داد و نوشت فیض الله مخوباد روز پنجشنبه پنجم اسفند ماه اعدام شده است. جمهوری اسلامی اطلاعات تازه‌ای در باره علل و چگونگی اعدام این یهودی ۷۸ ساله منتشر ناساخت و تنها از قول مقامات نوشت که وی به اتهام جاسوسی به سود اسرائیل در دادگاه محاکمه و محکوم به اعدام شده بود.

جمهوری اسلامی خودداری مقامات را از انتشار خبر اعدام فیض الله مخوباد مورد انتقاد قرارداد و نوشت: مسئولان دستگاه قضایی باید به این (نکته) توجه کنند که خبر اعدام یک جاسوس یهودی، مسیحی و یا یک بهایی موضوع قابل کتمان نیست. این روزنامه افزود موضوعی مانند قتل کشیش هوسپیان مهر، حکم اعدام مهندس هلموت سیمکوس، زندانی کشیش مهدی دیباج و اکنون اعدام فیض الله مخوباد هریک واکنش سنگینی را به دنبال داشته و مقامات قضایی حکومت اسلامی نباید آن را پوشیده نگاه دارند.»

الجزایر

بوخین گرد، یک کتاب فروش ساکن پایتخت الجزایر روز ۲ اسفند ۷۲ به دست تروریست‌های وابسته به گروه‌های بنیادگرای اسلامی، به قتل رسید. وی تبعه فرانسه است و بیست و هشتمین شهروند کشورهای خارجی در الجزایر است که از سپتامبر ۹۳ تا کنون در الجزایر به دست تروریست‌های اسلامی به قتل می‌رسد.

ترکیه

روز ۳ اسفند ۷۲ حزب کارگران کردستان (پ کا کا) کنگره‌ای در مسکو با حضور معاون وزیر روابط ملی روسیه که از سیاستمداران مهم این کشور است و نیز شماری از کوردهای ارمنستان، روسیه و قزاقستان برگزار شد. وزرات خارجه ترکیه، سفیر روسیه در آنکارا را احضار و خواهان توضیح در باره برگزاری این کنگره در مسکو می‌شود. سفیر روسیه در ترکیه صریحاً اعلام نموده که سیاست روسیه در قبال ترکیه و حزب کارگران کردستان تغییرناپذیر است. این کنگره در شرایطی برگزار می‌شود که دولت ترکیه تصمیم گرفته حالت فوق العاده (حکومت نظامی) در استان‌های باتمان، دیاربکر و حکارک و... (مجموعاً ۱۰ استان کردستان ترکیه) را به مدت ۴ ماه دیگر تمدید نماید.

گروه‌های تروریست اسرائیل

رادیو اسرائیل در برنامه روز ۲۲ اسفند ۷۲ اعلام نمود که «دولت اسرائیل تصمیم گرفت گروه‌های راست افراطی به نام کاخ و کاهانا و دیگر جنبش‌های آشوب طلب را غیرقانونی اعلام نماید و از این پس همانند گروه‌های تروریستی با آن‌ها مقابله کند.»

نظواهرات در پاریس

روز ۲۱ اسفند امسال شهر پاریس و برخی شهرهای بزرگ فرانسه شاهد عظیم‌ترین نظواهرات اعتراضی دانشجویان، معلمان و اولیاء دانش آموزان بود. به گزارش خبرگزاری فرانسه در جریان این نظواهرات که به دعوت سندیکای کارگری نزدیک به حزب کمونیست فرانسه و ۴۰ سازمان صنفی غیرسندیکایی صورت گرفت، بیش از ۵۰۰ هزارتن با دادن شعارهایی چون، حق زیستن، حق کار، حق مسکن و ۳۵ ساعت کار در هفته به اعتراض علیه سیاست‌های دولت فرانسه پرداختند.

پیشرفت سریع تاریخ

از صفحه ۵

از سقوط این رژیم برقراری صلح، دموکراسی و رعایت حقوق بشر با سرعت بیشتری در جهان پیش خواهد رفت. در واقع پیشرفت صلح، دموکراسی و احترام به حقوق بشر به یک دستاورد بزرگ نائل می‌شود. بخصوص که یک مقاومت و الترناتیو دموکراتیک چون شورای ملی مقاومت برقراری صلح، دموکراسی و احترام به حقوق بشر را سرلوحه مبارزه اش علیه رژیم ضد بشری نموده است. بنابراین جهان آزاد و نیروهای آزادی خواه و طرفدار حقوق بشر باستانی بطور همه جانبه این مقاومت را یاری دهند تا با پیروزی بر رژیم آخوندی تحول بزرگ تاریخی دیگری که اثر آن کمترین تأثیر مهم‌ترین تحولات تاریخی چندسال گذشته نیست را رقم بزنند. در آن صورت آزادی و دموکراسی در ایران، صلح و ثبات در منطقه برقرار شده و آثار این تحولات با سرعت بیشتری در اقصای نقاط جهان پیش خواهد رفت.

بهن ۷۲

۲۲ مارس ۱۹۵۸ - خروج عراق از پیمان امپریالیستی سنتو
 ۱۲ آوریل ۱۹۶۱ - برای نخستین بار یوری گاکارین در یک سفینه فضایی زمین را دور زد. (روزکیهان نوردی)
 ۱۵ آوریل ۱۹۶۱ - تجاوز آمریکا به کوبا در خلیج خوک‌ها
 ۲۱ مارس ۱۹۶۸ - نبرد قهرمانانه مردم فلسطین در کرامه، یکی از حماسی‌ترین نبردهای خلق فلسطین و نقطه عطفی در تاریخ جنبش مردم فلسطین
 ۴ آوریل ۱۹۶۸ - ترور جنایتکارانه مارتین لوتر کینگ از رهبران جنبش سیاهپوستان آمریکا
 ۱۷ آوریل ۱۹۵۷ - پیروزی جنبش مردم کامبوج علیه رژیم دست نشانده لول نول
 ۲۷ مارس ۱۹۷۶ - پیروزی جنبش رهایی‌بخش مردم انکولا به رهبری میلا
 ۳۰ مارس ۱۹۷۶ - روز زمین برای مردم فلسطین
 ۱۸ آوریل ۱۹۸۰ - استقلال زیمبابوه
 ۶ آوریل ۱۹۸۳ - ترور ملیدامونترا (آناماریا) فرمانده دوم سازمان آزادیبخش خلق السالوادور در یک توطئه درونی
 ۲۷ مارس ۱۹۸۶ - درگذشت یوری گاکارین، اولین فضانورد جهان
 ۱۰ آوریل ۱۹۹۳ - ترور رفیق کریس‌هانی دیوکل حزب جنبش کمونیستی آفریقای جنوبی و مسئول شاخه نظامی کنگره ملی آفریقا، به دست عناصر وابسته به یک جریان نژادپرست افراطی سفید پوست در ژوهانسبورگ

توافق دولت آلمان و رژیم آخوندها علیه مردم ایران

اطلاعیه

دبیرخانه شورای ملی
مقاومت

در رابطه با کمک‌های مالی آلمان به
دیکتاتوری مذهبی - تروریستی
ملایان

آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی
مقاومت ایران، موافقت دولت آلمان با به تعویق
انداختن بخش قابل توجهی از بدهی‌های
دیکتاتوری مذهبی - تروریستی حاکم بر ایران به
این کشور و نیز پذیرش پرداخت یک وام ۳ تا
۴/۵ میلیارد ماری به ملایان را قویاً محکوم کرد
و آن را اقدامی آشکار بر ضد مصالح عالی مردم
ایران و تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با کشتار
وسرکوب داخلی و تروریسم افسار گسیخته این رژیم
ضد بشری توصیف نمود.

آقای رجوی گفت: طی پانزده سال حاکمیت
سیاه ملایان، اعدام و شکنجه و سرکوب عمومی و به
ویژه نقض و حشانه حقوق فردی و اجتماعی زنان
ایران بلاوقته ادامه یافته است. هر روز در گوشه‌ای
از کشور نظاهرات و حرکات اعتراضی مردم به خاک
و خون کشیده می‌شوند، قربانیان این رژیم قرون
وسطایی در ملاء عام به دار آویخته شده و مخالفان
ایرانی و شهروندان خارجی در خارج کشور هدف
جوخه‌های اعزامی ملایان قرار می‌گیرند. طی
همین مدت سی بار سازمان ملل متحد و ده‌ها بار
پارلمان و شورای اروپا این رژیم ضد بشری را
محکوم کرده‌اند و اکنون بسیاری از کشورها بر لزوم
برخورد قاطع و ایزوله کردن جنایتکاران حاکم بر
ایران تأکید می‌کنند.

در چنین شرایطی کمک‌های چند میلیارد
دلاری دولت آلمان به ملایان، آن هم به دنبال
افشای همکاری‌های پنهانی و شرم آور دوساله
ارگان‌های اطلاعاتی این کشور با ساواک آخوندی
چیزی جز تشویق و تأیید آشکار جنایات ضد بشری
رژیم خمینی و به مسخره گرفتن قطعنامه‌های مجامع
بین‌المللی حقوق بشر نیست.

مسئول شورای ملی مقاومت تأکید کرد:
درمتهای ورشکستگی اقتصادی و عدم مشروعیت
داخلی و بین‌المللی، رژیم بازمانده از خمینی در
محاصره استراتژیکی کامل توسط مقاومت مردم ایران
قرار دارد و هیچ اقدامی - حتی اعطای کمک‌های
چند میلیارد دلاری - آن را از بحران مرگ‌بار
کنونی و سرنوشتی محتومش نجات نخواهد داد.

آقای رجوی گفت: بدون تردید ملت بزرگ
ایران در فریادی آزادی میهن درمورد عملکردها و
برخوردهای جریان‌ها و کشورهایی که در سیاه‌ترین
دوران تاریخ ایران پرنسیب‌ها و موازین شناخته
شده حقوق بشر را قربانی منافع حقیر اقتصادی
کردند، موشکافانه قضاوت خواهد کرد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - پاریس

۲۸ فوریه ۱۹۹۴ (۹ اسفند ۱۳۷۲)

بانک‌ها را بعهده گرفت و بانک مرکزی ضمانت این
کاررو، کل این مسائل رو به عهده خواهد داشت،
براساس این توافق خوشبختانه کلیه مسائل بین
ما و آلمان‌ها، معوقه‌ها که تحت پوشش (هرمس) بود
نهایی شد، یک مقدار دیگری مانده که ربطی به
پوشش هرمس ندارد، مبلغ کمتر از یک میلیارد مارک
هستش که اینو با بانک‌ها جداگانه صحبت می‌شه
که مسأله خاصی نداره».

رادیو بی بی سی در برنامه روز ۸ اسفند خود
مصاحبه‌ای با فریدون خاوند، کارشناس مسائل
اقتصادی می‌کند و از او می‌پرسد: «شما فکر
می‌کنید ایران بتونه چنین توافقی را با کشورهای
دیگری که بشون بدهکاری داره، به دست بیاورد و آن
هم دوجانبه به توافق برسه، خاوند گفت: براساس
اطلاعات پراکنده‌ای که بعضی از کارشناسان غربی
مقیم تهران می‌گویند: به نظر می‌رسه که یک
بحث‌هایی از پاییز گذشته، یک مذاکره‌ای در جریان
است با این که دومین شریک بازرگانی ایران و این
مذاکرات مربوط می‌شه به اخذ یک وام دو
میلیارد دلاری از این وبه نظر می‌رسه که در حال حاضر
بامضای موافقت نامه بین ایران و آلمان راهش
هموار می‌شه برای امضای موافقت نامه‌های مشابهی
با این و شاید هم سایر کشورها.

خاوند در جواب این که این گرفتن وام چه
تأثیری بر اقتصاد ایران خواهد داشت گفت: در کوتاه
مدت گرفتن وام از آلمان با سایر منابع یک هوای تازه
ای است برای به اصطلاح اقتصاد ایران ولی در
درازمدت این یک دایره پیچیده‌ای است که دولت
ایران در حال حاضر در اون قرار می‌گیره و فراموش
نکنیم که تمام کشورهای وام دار مهم جهان سوم مثل
برزیل و مکزیک از همین مراحل گذشتند. یعنی
در درجه اول وام گرفتند و بعد وام گرفتن برای
بازپرداخت وام‌های قبلی شون. بنابراین در کوتاه
مدت می‌تواند به یک سلسله از مشکلات دولت ایران
این وام جواب بده، ولی در درازمدت چاره‌نهایی
برای وام‌ها و بدهی‌های انبوه ایران که به موجب
بعضی از گزارش‌ها بین ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار هست، راه
چاره‌نهایی نیست».

از مجموعه آن چه تا کنون اعلام شده، معلوم
می‌شود که رژیم با دادن امتیازاتی به دولت آلمان
موفق به دریافت وام برای پرداخت وام‌های قبلی
شده و این درحالی است که برای کمبود نقدینگی
رژیم هیچ کشاکی ایجاد نمی‌کند. لازم به
تذکر است که گرچه این همکاری دولت آلمان با یک
رژیم سرکوبگر و تروریست اساساً نمی‌تواند هیچ
دردی از دردهای بی‌درمان رژیم را حل کند، اما برای
مدتی بسیار کوتاه می‌تواند به متابه یک مسکن برای
رژیم کارساز باشد و به همین دلیل اقدام دولت آلمان
علیه مردم ایران است. مسئول شورای ملی مقاومت
ایران این اقدام دولت آلمان را قویاً محکوم نمود.
متن اطلاعیه آقای مسعود رجوی در همین شماره نبرد
خلق چاپ شده است.

روز سه شنبه ۹ اسفند ۷۲ خبرگزاری‌ها از توافق
بین دولت آلمان و رژیم ملاها در رابطه با بدهی‌های
معوقه خبر و گزارش پخش نمودند. خبرگزاری فرانسه
در گزارش خود اعلام نمود که: «روز دوشنبه دولت
آلمان تأیید کرد که با ایران به یک توافق برای قسط
بندی قرض ایران رسیده است. یک سخنگوی وزارت
اقتصاد گفت که این توافق «تمدید» که جمعه شب
امضا شده پیش بینی می‌کند که ایران فوراً قروض
کمتر از یک میلیون مارک خود که حدود ۱۰۰ میلیون
مارک کل بهره آن‌ها می‌شود را بپردازد». رادیویی بی
بی سی در برنامه روز ۸ اسفند خود در این رابطه گزارش
نمود که «مقامات ایران اعلام کردند که جمهوری
اسلامی ایران با دولت آلمان به توافق رسیده است که
بدهی‌های ایران به شرکت‌های آلمانی را که بالغ بر
۵/۲ میلیارد دلار است مطابق جدول نازه پرداخت
کنند. مطبوعات ایران گزارش دادند که توافق جدید
بعد از سفر محمود واعظی معاون وزارت خارجه ایران
در آلمان به دست آمده است. واعظی در مصاحبه‌ای
با بی بی سی قبل از سفرش به آلمان گفت:
امیدوار است که در عرض چند سال آینده که به گفته
اوسال‌های سختی از لحاظ امور مالی برای ایران
خواهد بود، شاید کشورهای اروپایی هم با ایران
بیشتر همکاری کنند».

بی بی سی در گزارشی می‌گوید: «بیشتر
کشورها برای آن که مهلت پرداخت بدهی‌های
خارجی خود را تمدید کنند به کلوپ پاریس مراجعه
می‌کنند. اعضای این کلوپ را وام دهندگان
متبصر غربی تشکیل می‌دهند، اما ایران نمی‌خواهد به
کلوپ پاریس متصل شود، زیرا آمریکا در آن صورت با
استفاده از نفوذ خود جلوی تلاش اروپایی‌ها را برای
کمک به ایران می‌گیرد. آمریکا از همکاری‌های
بیشتر آلمان با جمهوری اسلامی ایران نیز خشنود
نخواهد بود. توافق اخیر با آلمان نه تنها یک
آسودگی خیال بابت مسائل اقتصادی برای ایران
است، بلکه نوعی پیروزی سیاسی نیز به حساب
می‌آید. اما آلمان نزدیک‌ترین دوست اروپایی ایران

در مقابل انتظار دارد تهران هم حسن نیت خود را
نشان دهد، آلمان مدتی است برای آزاد کردن یک
مهندس آلمانی که به اتهام جاسوسی در ایران به
اعدام محکوم شده به تهران فشار می‌آورد. بن
همچنین از ایران خواسته تا در راه پیشرفت
مذاکرات صلح خاورمیانه مانعی به وجود نیارد. به
هر حال برآوردن این انتظارات سیاسی مشکل نیاز به
موافقت مقامات نندروی ایران در خارج از وزارت
خارجه آن کشور دارد».

این توافق که اصول آن هنگام مسافرت واعظی
به آلمان صورت گرفته، در واقع سنگین‌تر کردن
بدهی‌های رژیم است. رژیم وام می‌گیرد که وام‌های
معوقه را بپردازد. واعظی در برنامه روز ۹ اسفند تلویزیون
رژیم می‌گوید: «خوشبختانه کلیه موانعی که برای حل
و فصل این معوقه‌ها بود برطرف شد و نهایی شد.
براساس این توافق قرار بر این شد که دوسال مهلت
باشه و چهار سال بازپرداخت، حجم کل معوقه‌هایی
که حدود ۴/۵ میلیارد مارک بود که یکی از
بانک‌های آلمانی (آته ۱) این تعهد پرداخت به کلیه

متن کامل قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی

کمیسیون حقوق بشر، با الهام از اصول مندرج در منشور ملل متحد، بیانه جهانی حقوق بشر و پیمان‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر:

با تاکید بر این که تمامی دولت‌ها موظف به ارتقاء و حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و رعایت تعهداتی هستند که طبق مفاد اسناد مختلف بین‌المللی در این زمینه به آن‌ها ملتزم شده‌اند؛

بایادآوری قطعنامه‌های pertilontes خود، که جدیدترین آن‌ها قطعنامه شماره ۱۹۹۳/۶۲ مورخ ۸ مارس ۱۹۹۳ است، و نیز قطعنامه‌های مجمع عمومی، که جدیدترین آن‌ها قطعنامه شماره ۴۸/۱۳۵ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ است، و قطعنامه‌های سوکمیسیون مبارزه علیه اقدامات تبعیض آمیز و حفاظت از اقلیت‌ها، که جدیدترین آن‌ها قطعنامه ۱۹۹۳/۱۴ مورخ ۲۰ اوت ۱۹۹۳ است؛

با در نظر گرفتن این که دولت جمهوری اسلامی ایران به درخواست نماینده ویژه برای دریافت اطلاعات در مورد ادعاهای مبنی بر نقض حقوق بشر در این کشور پاسخ داده، ولی به وی اجازه ندادند برای بار چهارم به آن جا برود تا بتواند در محل شخصاً در رابطه با وضعیت فعلی حقوق بشر کسب اطلاعات کند؛

با تاکید بر این که دولت‌ها پاسخگوی قتل‌ها و با حملاتی هستند که توسط مأموریتشان در یک کشور دیگر علیه افراد صورت می‌گیرد، و نیز (پاسخگوی) تحریک چنین اقداماتی با تأیید آن‌ها و با انقضای آگاهانه در قبال آن‌ها (هستند)؛

بایادآوری این که در قطعنامه ۱۹۹۳/۶۲، کمیسیون از نماینده ویژه خواهش کرده است تا در پنجاهمین اجلاس کمیسیون گزارشی در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ارائه کند؛

با در نظر گرفتن این که، به اعتقاد نماینده ویژه، جامعه بین‌المللی کاملاً محق است که به مراقبت از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ادامه دهد؛

همچنین با در نظر گرفتن این که سوکمیسیون مبارزه با اقدامات تبعیض آمیز و حفاظت از اقلیت‌ها در قطعنامه ۱۹۹۳/۲۴ خود نقض آشکار حقوق بشر را که ارتکاب آن‌ها در جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد، محکوم نموده است؛

علاوه بر این، با عنایت به نتیجه گیری‌های کمیته رفع تبعیض نژادی، کمیته حقوق بشر و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران؛

۱- با خشنودی گزارش نهایی نماینده ویژه کمیسیون (E/CN.4/50) و ملاحظات مندرج در آن را در نظر می‌گیرد؛

۲- نگرانی عمیق خود را از اخباری ابراز می‌دارد که مستمرا به موارد نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران اشاره دارند؛

۳- به طور مشخص‌تر نگرانی خود را از بابت انتقادهای اساسی عنوان شده توسط نماینده ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ابراز می‌دارد، یعنی تعداد زیاد اعدام‌ها، موارد شکنجه و رفتارها و مجازات‌های غیرانسانی و مخرب

ترم‌های اعلام شده در رابطه با دستگاه قضایی، فقدان تضمین‌های (لازم) برای یک محاکمه قانونی، رفتار تبعیض آمیزی که گروه‌هایی از شهروندان به دلیل اعتقادات مذهبی‌شان موضوع آن هستند، به ویژه جامعه بهایی، که موجودیتش به عنوان یک جامعه مذهبی به تمام معنی، در جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید است، رفتارهای بد اعمال شده در قبال بعضی مسیحیان و محدودیت‌های اعمال شده در مورد آزادی بیان، فکر و عقیده و آزادی مطبوعات، و هم‌چنین به خاطر این که زنان، همان گونه که نماینده ویژه خاطر نشان کرده است، هم چنان قربانیان تبعیض هستند؛

۴- نگرانی شدید خود را از ملاحظه این که مجازات مرگ هم چنان، به گونه‌ایی که توسط نماینده ویژه مبالغه آمیز ارزیابی شده است، اعمال می‌گردد، ابراز می‌دارد؛

۵- هم چنان نگرانی شدید خود را از تهدیداتی که با حمایت دولت جمهوری اسلامی ایران هم چنان متوجه جان آقای سلمان رشدی که مورد وی در گزارش نماینده ویژه مطرح شده است، و نیز متوجه جان و افرادی است که در کارهای این نویسنده مشارکت دارند، ابراز می‌دارد؛

۶- مصرانه از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد تا از هدایت فعالیت‌هایی نظیر آن‌هایی که نماینده ویژه در گزارش خود مطرح می‌نماید، علیه اعضای ایوبزیسیون ایران در خارج، خودداری نموده، و به طور کامل با مقامات سایر کشورها در انجام تحقیقات و اعمال مجازات برای جراتمی که آن‌ها اعلام می‌دارند، همکاری ننماید؛

۷- تاسف خود را از بابت این که دولت جمهوری اسلامی ایران به امتناع از اجازه دادن نماینده ویژه برای سفر به داخل کشور، اجازه دادن به او برای انجام کامل مأموریتش ضمن ازانکه همکاری کاملش با وی، ابراز می‌دارد؛

۸- مصرانه از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد تا فرآورد‌هایی را که با سازمان‌های بین‌المللی بشردوستان امضا نموده است به اجرا بگذارد؛

۹- دولت جمهوری اسلامی ایران را متعهد می‌سازد تا تلاش‌هایش را برای تحقیق در مورد مسائل مربوط به حقوق بشر توسط نماینده ویژه در ملاحظات (مندرج در گزارش) مطرح شده و فائق آمدن بر آن‌ها، به ویژه در مورد دستگاه قضایی و رعایت قانون تشدید نماید؛

۱۰- هم چنان دولت جمهوری اسلامی ایران

را متعهد می‌نماید تا مقررات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر را رعایت نماید، به ویژه پیمان بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، که جمهوری اسلامی ایران آن را امضا کرده، و مراقبت نماید تا تمامی افرادی که در قلمروش زندگی می‌کنند و در حوزه قضاییش قرار دارند، از جمله گروه‌های مذهبی، از حقوق شناخته شده در این اسناد برخوردار باشند؛

۱۱- نظر نماینده ویژه را که طبق آن جامعه بین‌المللی بایستی به مراقبت از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ادامه دهد، از آن خود می‌داند.

۱۲- تصمیم می‌گیرد تا مأموریت نماینده ویژه را، آن طور که در قطعنامه ۱۹۸۵/۵۴ مورخ ۱۴ مارس ۱۹۹۴ مقرر شده، به مدت یک سال تمدید نماید؛

۱۳- از دولت جمهوری اسلامی ایران

کمیسیون حقوق بشر رژیم خمینی را محکوم کرد

روز ۱۸ اسفند ۷۲، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد

پس از چند هفته بررسی وضع حقوق بشر در کشورهای جهان، برای سی و یکمین بار طی قطعنامه‌ای رژیم خمینی را به علت نقض شدید حقوق بشر محکوم نمود. این قطعنامه با ۲۲ رأی مثبت و ۱۱ رأی منفی به تصویب رسید. اجلاس اخیر کمیسیون حقوق بشر، پنجاهمین اجلاس این کمیسیون می‌باشد.

در قطعنامه محکومیت رژیم خمینی، تبعیض علیه زنان، سرکوب اقلیت‌های مذهبی و قومی در ایران و تروریسم افسارگسیخته ملایان در خارج کشور به شدت محکوم شده است. در قطعنامه به عملیات تروریستی رژیم در خارج از ایران پرداخته شده

و از رژیم خواسته شده برای انجام تحقیقات پیرامون ترور افراد ایوبزیسیون در خارج از ایران با مقامات سایر کشورها همکاری تمام عیار به عمل آورد.

بلافاصله پس از صدور این قطعنامه آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران تصویب این قطعنامه را «به مردم ایران تبریک گفت» و این قطعنامه را «سند انکارناپذیر دیگری مبنی بر اصلاح

ناپذیری دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران توصیف نمود.» آقای رجوی اعلام نمود که «کنون که ملل متحد به مثابه عالی‌ترین مرجع جهانی حقوق بشر یک بار دیگر بیابای رژیم خمینی

را به خاطر نقض ابتدایی‌ترین حقوق مردم ایران و ترور فعالین مقاومت و شهروندان خارجی محکوم کرده است، شورای امنیت ملل متحد می‌بایست

اقدام تدابیر عملی و لازم‌الاجرا و منجمله اعمال تحریم تسلیحاتی و نفتی علیه رژیم ملایان را در دستور کار خود قرار دهد.» لازم به تذکر است که کشورهای اندونزی، پاکستان، بنگلادش، سوئدان، سوریه، چین، لیبی، کوبا، هندوستان، مالزی همراه با

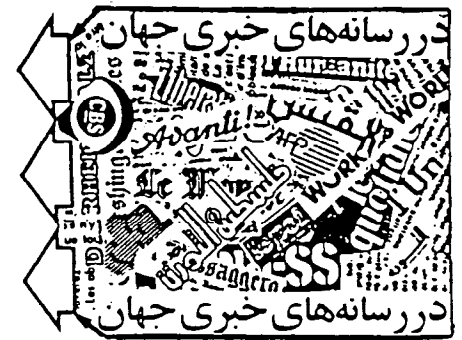
نمایندگه رژیم به این قطعنامه رأی منفی دادند. این کشورها از جمله کشورهایی هستند که قوانین حقوق بشر در آن بارها نقض شده و در واقع رأی منفی این کشورها یک بده وستان بار رژیم برای رأی گیری‌ها در مورد نقض حقوق بشر کشور خودشان است.

می‌خواهد تا با نماینده ویژه همکاری ننماید، به ویژه برای انجام یک مأموریت دیگر در کشور به او اجازه دهد؛

۱۴- از نماینده ویژه خواهش می‌کند تا یک گزارش میان‌دوره‌یی در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، از جمله در مورد اقلیت‌ها، مثل جامعه بهایی، به مجمع عمومی، در جریان چهل و نهمین اجلاس آن، ارائه نماید، و گزارش به پنجاه و یکمین اجلاس کمیسیون ارائه دهد؛

۱۵- از دبیرکل خواهش می‌کند تمامی کمک‌های لازم را به نماینده ویژه بنماید؛

۱۶- تصمیم می‌گیرد تا در پنجاه و یکمین اجلاس خود، بررسی وضعیت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را در جمهوری اسلامی ایران الویت دهد.



تئوری خودکشی طبقاتی امیلکار کابرال و سوسیالیسم انقلابی

منبع: مانتی ریویو، نوامبر ۱۹۹۳ - چاپ آمریکا
نوشته: توماس میزن هلدر
مترجمین: کانادا - حمید و علی رضا

یک تئوری انقلاب نیازمندند که درحاشیه دنیای سرمایه‌داری تدوین شده باشد. خوشبختانه ایده های امیلکار کابرال (۱) تئوریین انقلابی سوسیالیست مستقیماً این وضعیت را نشانه رفته‌اند.
امیلکار کابرال:

امیلکار کابرال رهبرانقلابی و سوسیالیست نهضت آزاداندیش ملی بود که گینه بیسائورازاستعمارپرتغال

رهایی بخشید. علاقه من در اینجا، علیرغم نقش بسیار مهم تاریخی او، بیشتر به تئوری عمومی او در مورد انقلاب سوسیالیستی در کشورهای پیرامونی می‌باشد. او که در ۱۹۲۴ در گینه پرتغال زاده شد در جزیره دماغه سیز، به مدرسه رفت و در دانشگاه لیسون به تحصیل در رشته کشاورزی پرداخت. او در سال ۱۹۵۱ به عنوان کارشناس کشاورزی جهت خدمت به گینه بازگشت و دست به بررسی اجمالی از اوضاع کشاورزی در سطح ملی زد. در طی این پروژه او به یک دانش عمیق و همه جانبه از ساختار اقتصادی - اجتماعی استعماری گینه دست یافت. در سال ۱۹۵۴ به سازماندهی نهضت آزادبخش که نهایتاً به «حزب افروپایی برای استقلال گینه و دماغه سیز» تبدیل شد. کمک نمود. این حزب سازمان کوچکی بود که اعضای هسته اصلی آن را خرده بورژوازی اداری و انواع دیگر حقوق بگیران تشکیل می‌داد. استراتژی انقلابی کابرال بیشتر روی بسج توده‌های مردم حول مسائل مشخص عملی تکیه داشت تا پیرامون ایده‌های عالی تئوریک. او به طرز غم انگیزی در یک کودتای حزبی که به توسط پرتغالی‌ها و مخالفین داخلی دسیسه چینی شده بود به قتل رسید. هشت ماه بعد در ۱۹۶۲ گینه بیسائو به استقلال خویش دست یافت در حالی که غم فقدان کابرال را در دل داشت.
تئوری کابرال:

تئوری انقلاب سوسیالیستی کابرال، در انطباق با روش شناخت مارکسیستی، بر اساس درک عمیق از واقعیت اوضاع اجتماعی - اقتصادی جهان سوم استوار می‌باشد. کابرال نیروی محرک بنیانی تاریخ را همانا تکامل نیروهای مولده می‌داند. هر شیوه تولید، به دلیل تکنولوژی‌های تولیدی خاص خود دارای ساختار طبقاتی معینی است. اقتصاد مستعمراتی و سیاست‌های کشاورزی متکی بر مکانیزاسیون تولید و تمرکز مالکیت ارضی توانستند به طوری سابقه‌ای چهره داخلی مستعمرات را دگرگون نمایند، یعنی تغییر شیوه تولید مستعمره از زراعت دستی روی زمین‌های کوچک و بی‌اشتراکی به کشاورزی مکانیزه بر روی زمین‌های خصوصی بزرگ. طبقات اجتماعی در ارتباط تنگاتنگ با مالکیت خصوصی و دانش تکنولوژیک قرار گرفتند. بهای بالای ماشین‌افزار و تولید صادراتی به سرمایه داران خارجی، تکنسین‌های در خدمتشان و متحدین داخلی‌شان که کارا دارة امور اقتصادی کشور را در دست گرفته‌اند، قدرت می‌بخشد. استعمار هم چنین منتج به نفی هویت و ارزش‌های فرهنگ بومی و جذب آداب اروپایی زندگی شده است. کابرال مدعی است که امپریالیسم ساختاری استماری است و قدرت امپریالیستی از طریق کنترل تکامل نیروهای مولده در جامعه‌ای دیگر نیز تاریخ آن جامعه را به دست می‌گیرد.

سخت‌ترین روزها بر سوسیالیست‌های انقلابی می‌گذرد. فروپاشی و از هم گسیختگی اتحاد شوروی با آن سرعت، شکست انتخاباتی سان‌دینست هادرنیکار گونو، مشکلات فراوانی که کوبا با آن‌ها دست به گریبان است، سوگ مارکسیسم - لنینیسم انقلابی در آفریقا، همه و همه ما را به سمت یک سلسله سوالات اساسی پیرامون ایده‌های بنیانی و استراتژی‌های تاکتونی‌مان سوق می‌دهند. اکنون زمانی است که پنداری سرمایه جهانی بی معارض و بی رقیب در سراسر دنیا حکومت می‌راند. اگر نباشد که سوسیالیسم انقلابی حیات مجدد یابد، بایستی تمامی حقایق مربوط به انقلاب و سوسیالیسم مرور شوند. بدین منظور طرح سوالات جدی کاملاً ضروری است. چرانیچه یکسان همه انقلابات افتادن آن به دست گروه نخبگان شده است. پاسخ‌ها تاکنون همواره و به درستی به زمینه جهانی سرمایه‌داری متخاصم اشاره داشته‌اند، باین حال درون‌کاوی انقلابات سوسیالیستی واجب و ضروریست.

انقلابات سوسیالیستی تاکنون به طور عمده در حاشیه جهان سرمایه‌داری به وقوع پیوسته‌اند. در ۱۹۱۷ انقلاب برخلاف انتظار مارکس نه در انگلستان صنعتی و آلمان بلکه در روسیه اتفاق افتاد. در ۱۹۴۹ چین صحنه آرای آن بود، در ۱۹۵۹ کوبا، و بدین منوال بود که در همین اواخر نیز انقلاباتی به اسم سوسیالیسم در آسیای جنوب شرقی، آفریقا و آمریکای مرکزی به پیروزی رسیدند. شاید لنین، بوخارین و دیگران (از جمله سمیرامین) در این نظریه که سرمایه‌داری انحصاری پیشرفته حاوی یک تضاد عمده بین کشورهای پیشرفته مرکز و جهان استعمار شده پیرامونیش می‌باشد محق بوده‌اند. البته مارکسیسم کلاسیک جایگاه انقلاب سوسیالیستی را در جهان پیشرفته صنعتی و در دستان طبقه کارگر صنعتی می‌دید. در عوض انقلاب در کشورهای پیرامونی از طبقه‌های اجتماعی متفاوتی به وقوع می‌پیوندد و همواره خطر جایگزین‌گرایی را در بر دارد. انقلابات سوسیالیستی در مناطقی به وقوع پیوسته‌اند که کاملاً صنعتی نشده، در بهترین وضعیت نیروهای مولده ناز به در حال تکامل‌اند، مناطقی که دارای طبقه کارگر صنعتی بسیار ضعیف بوده و دهقانان کشاورزی بخت بزرگی از خلق را تشکیل می‌دهند.

خصلت جاری سرمایه‌داری جهانی و نکبت و تبعیض ناشی از اقتصاد انطباق ساختاری و سیاست بازرگانی به طور فزاینده‌ای وضعیت انقلابی را به ویژه و مقدم بر همه در جهان سوم می‌آفریند. یک بار دیگر به نظرمی‌رسد که آینده سوسیالیسم در مناطقی از جهان رقم می‌خورد که کمتر از هر جامعه‌ای بررسی‌های علمی مارکس وانگلس قرار گرفته‌اند. سوسیالیست‌ها به

توضیح نبرد خلق: مقاله زیر نوشته دکتر توماس میزن هلدر، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا (سن برناردینو) است. تئوری انقلاب سوسیالیستی و نیروهای حامل آن، یک بحث بسیار با اهمیت است که به ویژه با فروپاشی اتحاد شوروی سابق، یک بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است. مبنای تئوریک امیلکار کابرال گرچه برای جامعه سرمایه‌داری با وجود طبقه کارگر صنعتی بسیار غریب جلوه می‌کند اما در متدولوژی او در برخورد با تحلیل انقلابات سوسیالیستی درس‌های آموزنده‌ای وجود دارد که می‌تواند مورد توجه فعالین جنبش چپ ایران قرار گیرد.

«چند توضیح ضروری از مترجمین»

(۱) به منظور رفع هرگونه سوء تفاهم احتمالی، ضروریست به تفاوت نظرات «کابرال» و «تئوری راه رشد غیر سرمایه‌داری اولیونوفسکی» توجه شود. چرا که کابرال به عنوان یک انقلابی به سازماندهی و هدایت مبارزه مسلحانه برای رهایی خلق گینه پرداخت و عاقبت نیز در این راه پرتکوه جان باخت. او در تئوری خویش شرایط مشخص و معینی را که برای تکامل انقلاب اجتماعی ضروریست مطرح می‌سازد.

(۲) آن چنان که از محتوای مقاله دکتر توماس میزن هلدر بر می‌آید، کابرال ساخت و بافت جوامع جهان سوم را عمده‌ا دهقانی دانسته و در تحولات اجتماعی با تطبیق برای دهقانان نقش اساسی قائل است. در حالی که این حکم در مورد شماری از کشورهای جهان سوم منجمله ایران، ترکیه و بوزنیل و نظایرشان که در آن‌ها روابط سرمایه‌داری وابسته به درجات کمابیش پیشرفته‌ای استقرار یافته است قابل تعمیم نمی‌باشد.

(۳) طرح شعار جبهه ضد امپریالیستی توسط کابرال به باور ما نباید با شعارهای مشابه از سوی برخی محافل سیاسی معین در ایران که خمینی و رژیم او را نیز در بر می‌گرفت متنبه گردد. مضافاً بایستی به تفاوت بین ایران و کشورهای نظیر گینه که مستقیماً تحت سلطه استعمار و امپریالیسم بودند، توجه شود.

(۴) - به عقیده ما، اطلاق عنوان «سوسیالیستی» به انقلاباتی نظیر انقلاب نیکاراگوئه نوعی برخورد مسامحه آمیز از سوی نویسنده محترم می‌باشد. چرا که به نظرمی‌رسد مطابق تئوری‌های جامعه‌شناسی علمی این انقلابات در چهارچوب «دمکراسی‌های خلقی» بی‌بهره‌تری گنجد تا «سوسیالیستی».



اوهمزمان باوقوف به این نکته که امریالیسم توانسته است نیروهای مولده فعال درگینه رادگرگون سازد، به این نکته نیز آگاه بود که یولناریای ملی کشور به لحاظ کمی، اقلیت کوچکی را دربرمی گرفت. او این مسأله را که اکثریت جمعیت کشورآینده گینه بیسائورادهقانان تشکیل می دهند به خوبی درک می کرد. شهرهانی توسط حضور یک عنصر «غیرطبقاتی» که متشکل از لومین یولناریای واقعی و گروهی از جوانان مهاجران روستاها بود، مشخص می شدند. خرده بورژوازی از دیگر لایه های اجتماعی بود که خود می توانست به دو گروه متخصصین و مقامات بالای اداری و مقامات جزء و خرده مالکین (کشاورزان) تقسیم بندی شود. لایه های بالای خرده بورژوازی گرایش به اتخاذ سیاست جانبداری از امریالیسم - استعمار را داشت در صورتی که لایه های پایینی به علت تجربه روزمره شان از تبعیضات استعماری و استثمار امریالیستی و نیز به علت نوع آموزش، آماده شرکت در مبارزه برای آزادی ملی بودند. همچنین امکان حضور فشرده کوچکی از نخبگان کمپادوری وجود دارد. قطعاً این گونه ساختار طبقاتی در بیشتر کشورهای پیرامونی سرمایه داری جهانی مشترک است. بدون توجه به تئوری های دکماتیستی که برخی ارائه می دهند، جوامع پیرامونی عمدتاً متشکل از روستائیان، حاشیه نشینان شهری، خرده بورژوازی و گروه کوچکی از نخبگان ملی می باشند. کابرال درک نمود که این گونه جوامع به طور عمده متشکل از کشاورزان می باشند و این طبقه هست که الزاماً بزرگ ترین نیروی مادی در هر انقلاب پیروزمند اجتماعی خواهد بود.

او ادعا نمود که در عصر سرمایه داری انحصاری نهضت های جهان سوم بر علیه امریالیسم در مرکز و فایع تاریخی قرار گرفته اند. تغییرات واقعی اجتماعی عبارت خواهد بود از کنترل بر نیروهای مولده توسط خود، در حالی که استقلال سیاسی به تنهایی به تداوم (سلطه) امریالیسم به مشابه استعمار نخواهد انجامید. استقلال سیاسی به معنای پایان مبارزه آزادیبخش نیست بلکه تنها آنها یک مرحله از این مبارزه است. از آن گذشته، تاریخ خود توسط نیروهای مولده شکل می گیرد، بنابراین تنها مردمی می توانند تاریخشان را باز یابند که توانسته باشند تکنولوژی های تولیدی شان را تحت کنترل خویش در آورند. هر آن چیزی کمتر از این نواستعمار می باشد.

آن چه که کابرال به عنوان ساختار طبقاتی گینه تعیین نمود او را متقاعد ساخت که علیرغم تطبیق جنبه هایی از مارکسیسم - لنینیسم بر جهان سوم، هیچ طبقه ای به تنهایی قادر به سرانجام رساندن یک انقلاب موفق نیست. او ادعا می کند که تضاد اصلی طبقاتی در جوامع پیرامونی، تضاد مابین مدافعان خارجی و داخلی امریالیسم از یک سو و نوده های متابه یک «طبقه ملت» از سوی دیگر است. پتانسیل انقلابی در اتحاد یک جبهه ضد امریالیستی از طبقات اجتماعی گوناگون از جمله کشاورزان و خرده بورژوازی نهفته است. «طبقه ملت» در تمامیت خود شاید تنهایی یک استقلال سیاسی بسنده کند، اما به تنهایی می تواند پروسه ای را آغاز نماید که احتمالاً به یک انقلاب اجتماعی که توسط رادیکال ترین لایه هایش رهبری شود، منجر شود. تنها بعد از استقلال بورژوازی

ملی و «طبقات پایین تر اجتماعی» شامل خرده بورژوازی کوچک و گروهی از روشنفکران وابسته بدان - همچون خود کابرال - که رهبری تئوریک انقلاب را عهده دار شدند می توانند مستقلاً شکل بگیرند. در وضعیتی که طبق کارگر قدرتمندی با اهداف انقلابی سوسیالیستی حضور ندارد، گروه اخیر اهمیت بسزایی می یابد.

این نکته بایستی روشن شود که، صرف نظر از بعضی از خصوصیات ویژه گینه، کابرال یک ساختار طبقاتی اجتماعی مورد اشتراک تقریباً تمام جهان سوم را در نظر داشت. انقلابات سوسیالیستی بایستی بدون طبقه کارگری که دارای اکثریت است شکل بگیرند. این وضعیت انقلابات سوسیالیستی تاریخی، از روسیه تا نیکاراگوئه بوده است. انقلابیون جهان سوم می بایست آگاهی طبقاتی کارگری را در جامعه ای بدون طبقه کارگر وارد سازند. اکثریت جمعیت را روستائیان تشکیل می دهند که نیروی عمده «مادی» انقلاب می باشند. این نیروها ممکن است ضد امریالیست باشند اما بدون رهبری و ایدئولوژی نمی توانند به سوسیالیست های انقلابی بدل شوند. بخش انقلابی خرده بورژوازی، طبقه ای که به احتمال قوی برخورد مستقیم هم با امریالیسم و هم با تئوری سوسیالیسم انقلابی داشته، می تواند زمینه این رهبری را فراهم سازد. خودکشی طبقاتی

کابرال احساس می کرد که رمز امکان موفقیت آمیز انقلاب سوسیالیستی در پیرامون، در نقش خرده بورژوازی در رهبری نهضت ناسیونالیستی در دوران بعد از استقلال نهفته است. آیا فریفته و وعده و وعیدهای نواستعماری شده و به استقلال سیاسی صرف قانع می شوند؟ آیا از قدرت سیاسی خود فقط و فقط برای شکل دادن به یک طبقه حاکمه جدید استفاده می کنند؟ در این صورت، استقلال سیاسی آزادی حقیقی را که همانا کنترل مردمی بر نیروهای مولده است به دنبال نخواهد داشت. اگر رهبری ملی گرا صرفاً منافع تنگ نظرانه طبقاتی خویش را بر زمینه سرمایه داری جهانی دنبال کند، خرده بورژوازی فرصتی خواهد داشت تا به عنوان یک طبقه صاحب امتیاز حفظ شده، باز تولید گشته، و یا شاید به شکل بورژوازی های کاذب درآید. این یکی از قوی ترین وسوسه هایی است که خرده بورژوازی را به سمت حفظ موقعیت و قدرت رهبری بعد از پیروزی سیاسی ناسیونالیستی سوق می دهد. در هر صورت انقلاب اجتماعی نیازمند آنست که رهبری خرده بورژوازی نهضت استقلال طلبانه به نوعی از خودکشی طبقاتی دست زند.

خودکشی طبقاتی توسط خرده بورژوازی انقلابی رهبری کننده یعنی گوش فرادادن به فراخوان آگاهی انقلابی و فرهنگ انقلاب به جای پیروی نمودن از منافع آنی طبقاتی اش به مثابه یک طبقه. در این پروسه موقعیت طبقاتی، امتیازات ویژه و قدرت می بایستی از طریق این همانی با توده های کارگری فدا شوند. این اتفاق نامحتمل بستگی به قدرت و اساس مادی آگاهی انقلابی بخش های مختلف خرده بورژوازی دارد. شاید ایده «خودکشی طبقاتی توسط رهبری انقلابی» مهم ترین پیام کابرال به سوسیالیست های انقلابی امروز باشد. پتانسیل ترقی خواهی بسیاری از انقلابات که در بدو امر تحت

لوی سوسیالیسم صورت پذیرفتند به علت فقدان خودکشی طبقاتی به فقرا گرا نبوده است. شاید انتظار این که رهبران مبارزات انقلابی در دوره گذار به سوسیالیسم کنار کشیده و دست از قدرت بشویند اندکی رمانتیک به نظر آید. ممکن است هیچ گاه به وقوع نپیوندد. اما پرواضح است که اگر اتفاق نیفتد انقلابات سوسیالیستی به سمت نوعی «خودکامگی دولتی» - یا شبه سوسیالیست یا سرمایه داری دولتی - به جای دموکراسی سوسیالیستی حقیقی گرایش خواهد داشت. سیاست های بخش محافظه کار خرده بورژوازی ملی گرا که به خاطر منافع طبقاتی خویش گذار به سرمایه داری را برمیگزیند آخرین حربه قدرت سرمایه داری به مثابه یک سیستم جهانی است.

در نگاه اول نظریه «خودکشی طبقاتی» توسط خرده بورژوازی شاید به نظر غیر واقع گرایانه بیاید اما در حقیقت از بسیاری مردمی ترین جنبه های انقلابات سوسیالیستی در جهان سوم واقع گرایانه تر است، برخی معتقدند که انقلابات «حقیقی» سوسیالیستی بایستی طیفان خود انگیخته لحظه ای توده های مردم باشد. غالباً این اعتقاد بدین نکته اشاره دارد که کلیه این حوادث بدون حضور یک سازمان رسمی سیاسی و یا بدون تقسیم بندی وظایف سیاسی فیمابین رهبری و توده ها اتفاق خواهند افتاد. بحث این است که سوسیالیسم حتی هنگامی که یک نهضت انقلابی غیر دولتی است و یا حتی آن هنگام که درگیر مبارزه مسلحانه درازمدت می باشد بایستی عمیقاً دموکراتیک باشد. چنین تصویری از انقلاب سوسیالیستی به مثابه دموکراسی درون جوش توده ای بسا تخیلی تر از نظریه خودکشی طبقاتی است. هیچ انقلابی بدون سازماندهی و رهبری موفق نخواهد بود. اظهار این مطلب که سوسیالیسم تنها از خلال یک جنبش خود انگیخته توده ای، بدون رهبران و پیروان، بدون سازماندهی، بدون سمت و سوی (مشخص) و ایدئولوژی تحقق می یابد دقیقاً معادل آنست که گفته شود سوسیالیسم محقق نخواهد شد.

دومین انگاره انقلاب سوسیالیستی در جهان سوم این است که این انقلاب نتیجه یک جنبش سازمان یافته و هدایت شده توسط اتحادی از کارگران و دهقانان بایک رهبری منحصر برآمده از بطن این طبقات خواهد بود. علیرغم علاقه شخصی ام به آن، این تصویر بسا تخیلی تر از آنست که با واقعیات تاریخی تطبیق نماید. تجارب تاریخی اما ظاهراً نشان دهنده آن است که انقلابات سوسیالیستی در کشورهای پیرامونی، در چین توسط مانو، در ویتنام به رهبری هوشی مین، در کوبا توسط کاسترو و چه گوارا، اورنگا در نیکاراگوئه، ماندلین و ساموراماشل در موزامبیک و مومبا به درزی مابوه هدایت شدند. چنین پدیده ای البته بر اساس یک تحلیل طبقاتی مارکسیستی که خود آگاهی کشاورزان را در بهترین وجه خود صرفاً، آن گاه رادیکال می یابد که خواهان تملک اراضی تحت تصرف زمین داران بزرگ بوده و آن گاه که کشف می کند طبقه کارگر در جهان سوم نوریس و کوچک بوده - و به عنوان یک طبقه در خود - که هنوز به موقعیت خویش به مثابه یک طبقه اجتماعی با علائق مادی (مختص به خود)



تئوری خودکشی طبقاتی امپیکارکابرا

و سوسیالیسم انقلابی

در تغییر و تحولات سوسیالیستی خودآگاهی نیافته است، غیرمنتظره نیست.

در جهان سوم کارگران و دهقانان تنها آن هنگام به نیرویی برای سوسیالیسم تبدیل خواهند شد که دارای یک رهبری مسلح به تئوری سوسیالیستی، در عین حال قادر به ارائه آن به این طبقات، باشند. در اکثر جوامع پیرامونی طبقه‌ای که هم از آموزش برخوردار است که عناصری از مارکسیسم رادیکال داشته و در عین حال سرکوب امپریالیستی - استعماری رانجریه کرده، در واقع خرده بورژوازی است. گذشته از این‌ها سوسیالیسم یک تئوری و گرایش علمی است که تنها تعدادی انگشت شمار ممکن است بتوانند بدون گذار از پیروسی آموزش، تفکر و حتی برخورد اندیشه کسب نمایند. واقعیت اینست که بخش‌هایی از خرده بورژوازی بیشترین شانس را در احراز رهبری جنبش‌های سوسیالیستی در جهان سوم دارا می‌باشند. هر آن چه غیر از این باور که سوسیالیسم در جوامع پیرامونی از طریق سازمان‌های سیاسی با رهبران خرده بورژوا که در نهایت باید به نوعی «خودکشی طبقاتی» دست زند تحقق یابد، تخیلی است. تنها نهادهای رادیکال و نوین اجتماعی هستند که می‌بایستی زمینه‌های واقعی امکان تحقق «خودکشی طبقاتی» را با دور نمودن خرده بورژوازی از وسوسه قدرت و داشتن امتیازات ویژه فراهم نمایند. این به اعتقاد من اهمیت نهایی مکانیسم‌های سیاسی دمکراسی مستقیم از جمله عزل فوری، حقوقی هم‌پای حقوق کارگران برای رهبران سیاسی، تعویض مسئولیت‌ها، دادگاه‌های مردمی و ارتش خلق است که مارکس و انگلس (۲) دفاع

می‌کردند. این امر باید مسجل شود که اگر رهبران سیاسی به نوعی از درصد دائمی بودن مقامشان هستند و یا حقوق‌های کلان دریافت می‌کنند و یا می‌خواهند که دارای قدرت ویژه‌ای باشند، به سرعت خلع ید شوند. «خودکشی طبقاتی» صرفاً بنایه خواست و اراده و یا آگاهی تنها تحقق نخواهد یافت. این امر به شرطی اتفاق خواهد افتاد که تحارب مادی رهبران توسط ساختار نهادی دمکراسی سوسیالیستی رادیکال قوام یافته باشند. وجود سازماندهی جنگی و «سانترالیسم دمکراتیک» احتمالاً به خوبی نیازهای دوره مبارزه مسلحانه و قبل از رسیدن به قدرت را مرتفع خواهند ساخت. اما این گونه تشکیلات به طور قطع بایستی با طرح نهادهای سیاسی متناسب دوره بعد از انقلاب از میان برداشته شوند.

سوسیالیسم و رهایی هر دو مستلزم نقطه پایان گذاشتن به سلسله مراتب و امتیازات ویژه، چه در خارج از نهضت انقلابی و چه در درون آن، است. بهتر آنست که رهبران و ساختارهایی داشت که برای بعد از استقلال آماده و در انتظار انکشاف مبارزه طبقاتی که فراگیرنده «خودکشی طبقاتی» نیازست باشند، تا آن که متکرواقعیت آن از طریق پناه بردن به رمانتیسم طبقه کارگر سوسیالیستی خود انگیخته بود.

زیر نویس :

۱) برای مطالعه بهتر کابرا و زندگیش، همچنین می‌توان به «درگر و میش انقلاب» اثر Jack Mc Culloch و یا «امپیکارکابرا، تکامل اندیشه انقلابی» اثر Ben Maguban مراجعه نمود. کتاب «انقلاب در گینه» نیز به خوبی نوشته‌های خود وی را منعکس نموده است.
۲) نگاه کنید به «جنگ داخلی در فرانسه» و هم چنین «انتقاد از برنامه گونا».

تظاهرات مردم در سقز و بان

راديو كومه له در برنامه روز ۲۲ اسفند خود گزارش نمود که «به دنبال تظاهرات و اعتراضات مردم مبارز شهر سقز، نیروهای جمهوری اسلامی در شهر بانه درحال آماده باش به سر می‌برند. مدت دو هفته است که دستجات و گروه‌های گشتی رژیم در خیابان‌ها حواریاب به وجود آورده و از ساعت ۹ شب به بعد، رفت و آمد افراد و ماشین شخصی و تاکسی‌ها را به وسیله پست‌های بازرسی که جدیداً دایر کرده‌اند، کنترل میکنند و اگر به کسانی مشکوک باشند، از آن‌ها کارت شناسایی می‌خواهند. این وضعیت جدید و حکومت نظامی اعلام نشده، مدت دو هفته است که از سوی نیروهای رژیم در شهر بانه برگزار می‌شود.»

بازداشت نمایندگان کرد در مجلس ملی ترکیه

عصر روز چهارشنبه ۱۱/اسفند/۷۲، مجلس ملی ترکیه مصوبت سیاسی دو تن از نمایندگان کردهای ترکیه در مجلس این کشور را لغو و بلافاصله پس از آن این دو تن توسط نیروهای امنیتی ترکیه بازداشت شدند. این دو تن خطیب دجله رهبر حزب دمکراسی ترکیه و اورهی دوشمان از اعضای فعال این حزب، از نمایندگان شهرهای دیاربکر و شیرناک می‌باشند. این حزب اعلام نموده که این بازداشت‌ها غیر قانونی است و خواستار فشار بین المللی که دولت ترکیه برای آزادسازی فعالیت کردهای ترکیه شده است.

NABARD-E-KHALGH
Organ of the organization
of Iranian People's Fedaian Guerillas

N°:106 21 Mar 1994

Nabard
B.P 20, 91350
Grigny Cedex
France

Hoveyat
P.O Box 1722
Chantilly, VA 22020
U.S.A

NABARD
POSTFACH 102001
50460 KOLN
GERMANY

Nabard
Casella Postale, 307
65100 Pescara
Italia

Hoviat
Post Restante
Mimers Gade 118
2200 N
Danmark

Price:6 F

با کمک های مالی خود سازمان رادارانجام وظایف انقلابی یاری رسانید.

هم میهنان مبارز:

سازمان ما برای مبارزه علیه رژیم خمینی و در تلاش برای ایجاد ایران آزاد، مستقل و دمکراتیک به کمک های مالی شما، به هر میزان که باشد، نیازمند است. شما می‌توانید کمک های مالی خود را به حساب بانکی نبرد خلق واریز کنید و یا مستقیماً به دست ما برسانید.

حساب بانکی نبرد خلق

نام بانک: SOCIETE GENERAL
آدرس بانک: BOULOGNE-S-SEINE(FRANCE)
کد گیشه: 03760
شماره حساب: 00050097851
نام صاحب حساب: Mme. TALLAT R.T.

اخبار و رویدادها.....

چند مرحله زیر خط فقر

وزیرکار رژیم که در مجمع مدیران صنایع غذایی شرکت کرده بود، در پاسخ به سوال یکی از مدیران صنایع غذایی مبنی بر این که چرا دستمزد واحدهای کارگری ۲۲/۸ درصد افزایش یافته؟ اظهار داشت «در شرایط اقتصادی کنونی حداقل سید هزینه مصرفی بالغ بر ۴۲۰ هزار ریال است در حالی که حداقل دستمزد کارگران بین ۱۱۰ تا ۱۳۰ هزار ریال برآورد می شود». (رسالت ۳۰ بهمن ۷۲)

با این حساب درآمد کارگران فقط یک چهارم هزینه های آنان را تحت پوشش قرار می دهد. کمالی مزدور تعداد افرادی که تحت پوشش قانون کار قرار دارند را ۶۱ میلیون نفر ذکر کرد. کمالی مزدور که از قانون کار رژیم تعریف می کرد، این مسأله را توضیح نداد که چرا با وجود این قانون کار که او از آن تعریف می کند و صاحبان صنایع آن را به «سود» کارگران می دانند وضعیت معیشت کارگران تا این حد پایین و زندگی اکثر آنان زیر خط فقر قرار دارد.

قتل عام فلسطینی ها در مسجد الخلیل

روز جمعه ۶ اسفند ۷۲ نمازگزاران مسجد الخلیل مورد حمله تروریستی افراتیون اسرائیلی قرار گرفته و تعداد کثیری از آنان کشته و زخمی شدند. این اقدام جنایتکارانه به وسیله تمامی دولت ها و جویباران بین المللی محکوم شده است. دولت اسرائیل ضمن محکوم نمودن این اقدام جنایتکارانه، کمیته ای را به منظور بررسی چگونگی انجام این عمل ددمشانه تشکیل داده است.

رژیم ملاها در صدد است تا از این اقدام جنایتکارانه به سود سیاست جنگ افروزان خود استفاده کند و در سیاست صلح سازمان آزادیبخش فلسطین کارشکنی ایجاد کند. مسئول شورای ملی مقاومت ایران به دنبال این اقدام تروریستی اطلاعیه ای صادر نمود. در این اطلاعیه آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران قتل عام فجیع نمازگزاران فلسطینی در مسجد ابراهیم شهر الخلیل را قویاً محکوم کرد و عمیق ترین تلیت های مردم و مقاومت ایران را به بازماندگان و خانواده های شهدای این جنایت بزرگ تقدیم نمود.

آقای رجوی با تاکید بر ضرورت به رسمیت شناختن واعاده حقوق ملی مردم فلسطین افزود این جنایت نفرت انگیز پیشرفت صلح را به خطر می اندازد و فقط به نفع دشمنان صلح و ثبات در منطقه و در رأس آن ها دیکتاتوری رژیم ضد بشری خمینی تمام می شود. وی در عین حال نمایش ها و تلاش های آخوندها برای بهره داری از این جنایت به سود دیکتاتوری تروریستی مذهبی حاکم بر ایران را محکوم نمود.



حماسه مبارزه، مقاومت و شهادت رفیق بیژن جزئی و همزمانش همیشه الهام بخش مبارزان راه رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان مین ما خواهد بود.

۹ زندانی در حال فرار کشته شدند

امروز ساعت اقصی اعلام کرده شد زندانیانی که قصد فرار داشتند کشته شدند. طبق اعلام مقامات مرسلر تعدادی از زندانیان محاراجو در داخل همان مابین خنجرینک در رت چاهی بودند حفاظات زسان تسبیح گرفتند آنها را به رجان بگری ستر سجده گامی که اتومبیل حامل رجانیان وارد خنجرینکشان آنان به رجان بگری در حرکت بود رجانیان من جمله سه موری ستر بر اتومبوس رجان و سبورج گرس بونر از آن موقل به رجان اتومبیل حارت و صارت به فرار شدند که در این موقل مابون ستر مرید سید شنب تئوری ۹ - صلی مودکی ۱ - سعد چوپان زان ۲ - احد حلیل افشار ۳ - مرید مرسی ۴ - یحیی جزئی ۵ - صن ضیا فرعی ۶ - کمالی موالا توار ۷ - مسلمان جوان خوندل ۸ - مشوق کلانتری ۹ - صلی مودکی



در برابر تندر می ایستند خانه را روشن می کنند و می میرند

شهدای فدایی فروردین ماه

رفقا: جواد سلاخی - حبیب مومنی - خشایار سنجری - منصور فرشییدی - محمد معصوم خانی - بیژن جزئی - حسن ضیا ظریفی - عباس سورکی - مشعوف (سعید) کلانتری - محمد چوپان زاده - عزیز سمردی - احمد جلیل افشار - حمید اکرامی - محمدرضا کامیابی - غزال (پریدخت) آیتی - سیمین پنجه شاهی - عباس هوشمند - علی میرابیون - یدالله سلیمی - جلیل اراضی - بهرام آق اتانای - عطا خانجانی - آراز محمد وردی پور - غفور حمادی - عبدالله صدقی زاده - بردی محمد کوسه غراوی - قربانعلی پور نوروز - سعید جوان مولایی - علی محمد خوجه فیروز شکری - آناه بردی سرافراز - قربان (آرقا) شفیعی - فیروز صدیقی - نورمحمد شفیعی - محمد رسول عزیزیان - رفیق پروین افروزه - محمد حرمتی پور - منوچهر کلانتری - صدیق دیده ور (دکتر بهرام) - و این رفقا از سال ۴۹ تاکنون در یک کار علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط مزدوران رژیم های شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

برخی از رویدادهای تاریخی فروردین ماه

- ۱۲۹۹/۱/۱۶ - قیام مردمی شیخ محمد خیابانی در تبریز
- ۱۳۰۰/۱/۱۲ - قیام افسران در خراسان به رهبری کلنل محمدتقی خان پسیان
- ۱۳۲۰/۱/۱۶ - درگذشت پروین اعتصامی
- ۱۳۲۶/۱/۱۰ - شهادت پیشواقاضی محمد و یارانش صدراقاضی و سیف قاضی در شهر مهاباد (روزشهادت کردستان)
- ۱۳۳۰/۱/۱۹ - درگذشت صادق هدایت
- ۱۳۳۰/۱/۲۴ - نقت درآبادان
- ۱۳۳۷/۱/۲۳ - اعتصاب ۱۲۰۰۰ تاسکیران در تهران
- ۱۳۴۲/۱/۱ - حمله مزدوران رژیم شاه به مدرسه فیضیه در قم
- ۱۳۴۴/۱/۲۱ - شهادت سرانجام مبارز شامس آبادی در جریان تیراندازی به محمد رضا شاه
- ۱۳۵۰/۱/۱۷ - حمله قهرمانانه زندمندان چریک های فدایی خلق ایران به کلانتری قلهک در تهران
- ۱۳۵۰/۱/۱۸ - به هلاکت رسیدن سید فرسیو دادستان ارتش رژیم شاه توسط زندمندان چریک های فدایی خلق ایران
- ۱۳۵۱/۱/۳۰ - تیرباران و به شهادت رساندن چهار نفر از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران، علی باکری، محمد بازرگانی، ناصر صادق و علی مین دوست توسط رژیم شاه
- ۱۳۵۴/۱/۳۰ - شهادت رفقای فدایی بیژن جزئی - حسن ضیا، ظریفی - عباس سورکی - سعید (مشعوف) کلانتری، در صفحه ۶

ملینامر کوری

ملینامر کوری، هنرپیشه و سیاستمدار متروقی یونانی، بازیگر فیلم برجسته و فراموش نشدنی یکشنبه ها هرگز، روز یکشنبه ۶ مارس ۱۹۹۴ در سن ۶۸ سالگی به علت ابتلا به بیماری سرطان ریه درگذشت. ملینامر کوری با بازی در فیلم یکشنبه ها هرگز جایزه بهترین هنرپیشه زن را از جشنواره کان در سال ۱۹۶۰ گرفت. وی پس از کودتای سال ۱۹۶۷ سرهنگان در یونان از کشورش مهاجرت نمود و تا سال ۱۹۷۴ به مبارزه خستگی ناپذیر علیه رژیم سرهنگان دست زد. وی در سال ۱۹۷۴ پس از سال ها مهاجرت به یونان بازگشت و در سال ۱۹۸۱ وزیر فرهنگ و هنر دولت سوسیالیست یونان شد. ملینامر کوری به نحو زیبایی سیاست و هنر را درهم آمیخت و سرانجام روز یکشنبه که او در فیلم یکشنبه ها هرگز در این روز آزادی خود را بازی می یافت، درگذشت. نام و خاطره و فیلم های ملینامر کوری هرگز فراموش نخواهد شد.